

تلنگر

شماره تیر ۱۳۹۳ - پرونده رانت خواران ایران



- پرویز فتاح مدیرعامل بنیاد تعاون سپاه کیست؟
- رانت خواران ایران
- تبارشناسی مدیران خبرگزاری "فارس" از آغاز تا کنون

هر آنچه سخت است و استوار
دود می شود و به هوا می رود

فهرست مطالب این شماره:

- پروژه اسلامی کردن رسانه‌ها و فرهنگ یا تخریب آن / صفحه ۱
تبارشناسی مدیران خبرگزاری "فارس" از آغاز تا کنون؛ تانگوی سرداران سپاه با فضای رسانه‌ای / صفحه ۵
اعتبار «طرح تحول نظام سلامت» از چه طریقی تامین می‌شود؟ / صفحه ۱۷
زندگی لوکس گروهی معدود در سایه حکومت روحانیان تهران / صفحه ۲۰
ایران ۵/۱ برابر کل کارکنان ژاپن مدیر دولتی دارد؛ حدود ۷ میلیون ایرانی حقوق‌بگیر دولت هستند / صفحه ۲۳
بنیاد مستضعفان بزرگ‌ترین نهاد فعال در ساختمان سازی ایران / صفحه ۲۶
خرید ۷۰ درصد فروش مستقیم خودروسازان توسط دلالان / صفحه ۲۸
ستاد اجرایی برای «حفاظت از بیت‌المال» مالک ۲۷ هزار هکتار از زمین‌های ورجین شد / صفحه ۳۰
رانت خواران ایران / صفحه ۳۲
پرویز فتاح مدیرعامل بنیاد تعاون سپاه کیست؟ / صفحه ۴۷
مشارکت سپاه در احداث ۷۷۰۰ مسجد جدید برای رفع مشکلات نظام و جامعه / صفحه ۶۰

تلنگر

رانت خواران ایران

توضیح:

شماره حاضر شامل یادداشتی از مجید محمدی، سعید قاسمی نژاد و یوحنا نجدی است

صاحب امتیاز:

مرکز مطالعات لیبرالیسم

آدرس اینترنتی تلنگر:

<http://bamdadkhabar.com> / تلنگر

۳) نیروهای نظامی به علت نقش تاثیرگذار آنها در سرکوب حقوق مردم از طریق تبلیغات و آموزش‌های مذهبی هر روزه و نهادینه در نهادهای نظامی، شیعی کردن ارتش و سپاه، تصفیه‌ی نیروهایی که به حکومت انتقاد دارند، و دادن قدرت بی حد و حساب به سیاسی-عقیدتی‌ها؛ و

۴) رسانه‌ها و فرهنگ به علت تاثیر آنها در شکل دادن به افکار عمومی و امکان استفاده‌ی تبلیغاتی حکومت از آنها از طریق روش‌های حذف و تزریق ذکر شده.

در این نوشته میزان موفقیت حکومت در اسلامی کردن رسانه‌ها از طریق سانسور، پارازیت، فیلترینگ، گزینش نیرو و تزریق نیروهای امنیتی و نظامی را مورد بررسی قرار می‌دهم:

وفادارترین‌های غیر مکتبی

برای استخدام در سازمان صدا و سیما بیشترین سخت‌گیری‌ها صورت می‌گیرد، مدیران آن از میان نیروهای امنیتی و نظامی مورد اعتماد بیت رهبر انتخاب می‌شوند و بیشترین محدودیت‌ها بر بخش‌های خبری و برنامه‌های سرگرمی آن اعمال می‌شود. علی‌رغم این همه محدودیت و گزینش، به موجب بررسی‌های شورای نظارت بر صدا و سیما جمهوری اسلامی چهار شبکه‌ی تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی در طول شش ماهه دوم سال نود و یک بالغ بر سی و سه هزار و دویست مورد تخلف آشکار از ضوابط رسانه‌ای، هنجارهای محتوایی و اخلاقی داشته‌اند که در مقایسه با وضعیت همین شبکه‌ها در ادوار مشابه قبلی، رکوردی محیرالعقول به نظر می‌رسد. به موجب این گزارش، بیشترین تخلف‌های شبکه یک مربوط به برنامه‌های دارای ساختار نمایشی و خبر بوده است، در حالی که شبکه تهران و شبکه دو، بیشترین تخلف را در برنامه‌های نمایشی و برنامه‌های کودک و نوجوان مرتکب شده‌اند و عمده تخلفات شبکه سه نیز در برنامه‌های نمایشی و ترکیبی دیده شده است. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ آذر ۱۳۹۲)

این امر نشان می‌دهد که ضوابط جمهوری اسلامی حتی در میان وفادارترین عناصر به رژیم به هیچ‌گرفته می‌شود و وفاداری‌ها همه تظاهر برای گرفتن شغل است. دستورالعمل موسوم به سیاست‌ها و ضوابط تولید، تامین و پخش برنامه‌های صدا و سیما، ملاک اصلی بررسی‌های شورای عالی نظارت و تهیه این گزارش شش ماهه بوده است، اما بی‌اعتنایی‌های مدیران کنونی این سازمان به گزارش‌های نظارتی نشان می‌دهد اعمال اعتقاد و توجه به دستورالعمل مزبور غیر ممکن است و مدیران تلویزیون دولتی نیز قادر به حفظ ارزش‌های نظام در حوزه مسئولیت رسانه‌ای خود نیستند. پوشش و حجاب، آرایش، نحوه تعامل و روابط افراد نامحرم، ناسزاگویی و به کار بردن الفاظ نامناسب، استفاده از موسیقی‌های نامناسب و رقص و استفاده از خط و زبان بیگانه، بخشهایی از موارد تخلف شبکه‌های اول، دوم و سوم تلویزیون دولتی و شبکه تهران است.

شبکه‌های تلویزیون دولتی علی‌رغم غیر قانونی شدن استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره‌ها و جمع کردن بشقاب‌ها در سال‌های اخیر مرتباً مخاطبان خود را از دست داده‌اند. شبکه‌های ماهواره‌ای علی‌رغم بودجه و نیروی انسانی کمتر و رقابت در شرایطی نابرابر به گفته‌ی مقامات رسمی به حدود ۷۱ درصد خانه‌های تهرانی‌ها (وزیر ارشاد ایرنا، ۲۶ آذر ۱۳۹۲) و بیش از ۶۰ درصد خانه‌ها در سراسر کشور (فرده نیوز ۷ رادیوبهشت ۱۳۹۰) راه یافته‌اند.



پروژه اسلامی کردن رسانه‌ها و فرهنگ یا تخریب آنها مجید محمدی

در حوزه‌ی اسلامی کردن چهار قلمرو بیش از همه برای اسلامگرایان اهمیت داشته است:

۱) دانشگاه‌ها به علت وجود جنبش دانشجویی و اشاعه‌ی افکار و ایده‌های سکولار و لیبرال توسط دانشگاهیان بالاخص در حوزه‌ی علوم انسانی و اجتماعی؛ اسلامی کردن در این حوزه با تزریق روحانیون به دانشگاه‌ها، دفن کشته‌های جنگ در فضای دانشگاه‌ها، گزینش خودی‌ها در مقام اساتید و ذف غیر خودی‌ها، ستاره کردن دانشجویان و تبلیغات دینی در دانشگاه‌ها پی‌گیری شده است؛

۲) دیوانسالاری دولتی به دلیل تاثیر اجتماعی آنها از طریق تفکیک و تبعیض جنسیتی، اختصاص مشاغل بالا به اعضای کاست حکومتی و اعضای خانواده‌ی آنها، سیاست‌های متوجه به انحصار قدرت در کاست حکومتی، انداختن شرکت‌های دولتی و انحصارات و امتیازات در پشت قباله‌ی آنها، و تصفیه‌ی دائمی کسانی که در باب این امتیازات یا سیاست‌ها تردید به خود راه می‌دهند؛



در حوزه‌ی اسلامی کردن چهار قلمرو بیش از همه برای اسلامگرایان اهمیت داشته است:



وضعیت اسف بار تیراژ روزنامه‌ها

تیراژ روزنامه‌های ایران کمتر از یک میلیون و دویست هزار نسخه است (حسین انتظامی، معاون امور مطبوعاتی وزارت ارشاد، مهر؛ ۵ آذر ۱۳۹۲) اگر در مورد رادیو و تلویزیون مخاطبان اندازه گیری نمی شوند در باب روزنامه‌ها تیراژها (هر چند برای گرفتن کاغذ در آنها اغراق می شود) قابل سنجش‌اند. اگر تیراژ روزنامه‌ها در یک کشور ۷۶ میلیونی حدود یک میلیون باشد مشخص است که مردم عادی روزنامه نمی خردند چون بخش عمده‌ی این تیراژ را دستگاه‌های دولتی خریداری می کنند. حکومت با بستن و محدود کردن روزنامه‌ها به مردم این پیام را به خوبی انتقال داده که به روزنامه‌ها اعتماد نداشته باشند و روزنامه‌های دولتی و شبه دولتی را نخرند. در حوزه‌ی مطبوعات، اسلامی سازی مطبوعات به تضعیف و مرگ تدریجی آنها انجامیده است.

تولید کتاب برای خواننده نشدن

دولت در ایران آن چنان در کار تولید کتاب دخالت می کند که خود سهم قابل توجهی از هزینه‌های تولید و توزیع را می پردازد و در نهایت بخش قابل توجهی از تولید را می خرد. تولید کتب درسی در دوره‌های پیش از دانشگاه کاملاً دولتی است. دولت با سانسور و دادن امتیازات بی حد و حساب به ناشران دولتی و شبه دولتی کاری کرده که اگر پایش را از قلمرو تولید بیرون بگذارد صنعت نشر کتاب می خوابد. به علت همین دخالت‌هاست که در ۳۵ سال گذشته علی رغم افزایش عناوین کتاب‌ها، تیراژ متوسط آنها مرتباً کاهش یافته است. همچنین مردم ایران از حیث میزان مطالعه‌ی کتاب رتبه‌ی بسیار پایینی در میان دیگر ملت‌ها دارند.

سینمای ورشکسته

خبرگزاری‌ها و سایت‌های داخلی اخیراً فهرستی از ۲۰۰ فیلم ایرانی اکران نشده در جمهوری اسلامی را منتشر کرده‌اند (الف، تابناک، خبر آنلاین، ۶ مرداد ۱۳۹۱). تنها در هشت سال دولت احمدی نژاد ۹۰ فیلم ساخته شدند (با اخذ پروانه از دولت) که هیچگاه به نمایش درنیامدند. به نرخ امروز (با متوسط حدود یک میلیارد تومان برای ساخت هر فیلم) ۲۰۰ میلیارد تومان از بودجه‌های عمومی و خصوصی تلف شده است. بخش عمده‌ی این بودجه عمومی و دولتی بوده است. سینمای ایران نیز یک سینمای دولتی است به این معنا که تهیه کننده در واقع کارگزار دولت و بخش عمومی برای پیشبرد یک پروژه‌ی سینمایی است. فیلمی در ایران ساخته نمی شود که بخش خصوصی تمام هزینه‌های آن را تامین کرده باشد.

از میان ۴۵ فیلمی که در سال ۸۹ اکران شد تنها یک فیلم (ملک سلیمان) توانست فروش بالای یک میلیارد تومان به دست آورد و تنها هشت فیلم از مرز ۵۰۰ میلیارد تومان گذشتند (ایسنا، ۲۱ اسفند ۱۳۸۹). متوسط هزینه‌ی تولید فیلم در ایران در این سال به طور متوسط حدود ۴۰۰ میلیون تومان بوده است. با توجه به تقسیم فروش میان تهیه کننده (۳۵ تا ۴۰ درصد)، سالن سینما (۵۰ درصد) و تبلیغات (۱۰ تا ۱۵ درصد)، تنها یک فیلم در این سال توانسته هزینه‌ی خودش را همراه با اندکی سود از طریق اکران بازگرداند.

میزان بلیط فروخته شده از حدود ۸۰ میلیون در سال ۱۳۶۸ به ۶۵ میلیون بلیط در سال ۱۳۷۲ و بعد به ۱۶ میلیون در سال ۱۳۸۵ و به ۱۲ میلیون در سال ۱۳۸۹ رسیده است. این کاهش حدود ۷۰۰ درصدی در عین افزایش حدود ۲۰ میلیونی جمعیت کشور از اواخر دهه‌ی شصت صورت گرفته است.

*** این یادداشت به سفارش "مرکز ایرانی مطالعات لیبرالیسم" و جهت انتشار در وبسایت‌های "بامدادخبر" و "تقاطع" نوشته شده و بازانتشار آن، تنها با ذکر نام این مرکز و منبع انتشار آن مجاز است.**



خبرگزاری "فارس" بهمن ماه سال ۱۳۸۱ و در شرایطی که بیشتر روزنامه‌ها و دو خبرگزاری ایسنا و ایرنا در اختیار گروه‌های اصلاح‌طلب قرار داشت، با هدف مقابله با موج رسانه‌ای جناح دوم خرداد و همچنین ترویج دیدگاه‌های اصول‌گرایان فعالیت خود را آغاز کرد. ساختمان مرکزی این خبرگزاری ابتدا در چهار راه کالج، کوچه شهید سعیدی در تهران قرار داشت؛ جایی که شماری از چهره‌های سیاسی محافظه‌کار از جمله اکبر نبوی، عبدالحسین روح‌الامینی نجف‌آبادی، بیژن مقدم و مهدی فضایی تقریباً از اوایل سال ۱۳۸۱ به منظور هم‌فکری برای راه‌اندازی یک خبرگزاری گرد هم جمع می‌شدند. این افراد در ابتدا قصد داشتند هم‌زمان دو خبرگزاری به نام‌های "فارس" و "تابان" را در مقابل رسانه‌های جریان اصلاحات راه‌اندازی کنند اما سرانجام تصمیم گرفتند تا نیروهای خود را در قالب یک خبرگزاری گرد آورند.

مجوز خبرگزاری "فارس" در سال ۱۳۷۸ برای سعید نجار نوبری، "مدیرکل وقت روابط عمومی دادگستری استان تهران" صادر شده بود و از این رو، جمع یاد شده بر آن شدند تا ذیل عنوان خبرگزاری "فارس" فعالیت خود را سر و سامان دهند. فرسوده و قدیمی بودن دفتر این خبرگزاری نوپا در چهارراه کالج باعث شد تا کارکنان آن برای مدتی به دفتری که پیشتر برای خبرگزاری "تابان" در خیابان میرداماد تهران در نظر گرفته شده بود، نقل مکان کنند.

مهدی فضایی، نخستین مدیرعامل این خبرگزاری درباره انتخاب نام "فارس" برای آن می‌گوید: «نام خبرگزاری در ابتدا و تا قبل از معرفی شدن، خیلی زیاد با استان فارس اشتباه می‌شد و برخی هم این ایراد را می‌گرفتند که این نام، خبرگزاری را محدود به "فارس"‌ها می‌کند ولی به تدریج این اشکالات برطرف شد.»

لوگو یا نشان این خبرگزاری نیز به گفته نخستین مدیرعاملش، توسط فردی به نام "نیرومنش" که «جوان مهندس خوش‌فکر و گم‌نامی» بود و «الآن هم در کار مستندسازی است» طراحی شد اگرچه برخی آن را «پسندیدند» و «برخی گفتند شبیه انرژی اتمی است!»

"فارس" در بخش معرفی خود می‌نویسد که آرم "فا" گویای "امواج مدور آب" است که «یکی از قابلیت‌های خبر یعنی ایجاد امواج و حرکت در جامعه» را به اذهان متبادر می‌سازد و همچنین رنگ آبی ارغوانی که برای آرم تعیین شده از "رنگ‌های اصیل ایرانی" است که در تزئینات هنر معماری بسیاری به کار می‌رود. نقطه "فا" نیز که به رنگ نارنجی انتخاب شده از زردی خورشید گرفته شده است.

خبرگزاری "فارس"، یکی از ابزارهای رسانه‌ای سپاه پاسداران جمهوری اسلامی محسوب می‌شود که بسیاری از مدیران و گردانندگان اصلی سابق و کنونی آن، همان‌گونه که بعدتر خواهیم گفت، از جمله اعضای سپاه پاسداران و سازمان بسیج محسوب می‌شوند. سابقه همکاری با روزنامه "کیهان" که مستقیماً زیر نظر علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی اداره می‌شود و همچنین روزنامه "جوان"، نزدیک به نهادهای امنیتی و سپاه در کارنامه اغلب مدیران و دبیران سرویس سیاسی "فارس" به چشم می‌خورد و این افراد همواره با افتخار از سابقه همکاری خود با اینگونه رسانه‌ها و نهادها سخن می‌گویند.

تبارشناسی مدیران خبرگزاری "فارس" از آغاز تا کنون؛ تانگوی سرداران سپاه با فضای رسانه‌ای یوحنا نجدی

در بسیاری از تحلیل‌ها و گزارش‌ها، از خبرگزاری "فارس" به عنوان رسانه‌ای «متعلق به سپاه پاسداران»، «نزدیک به نهادهای امنیتی» و «ارگان سپاه» یاد می‌شود؛ چه اینکه نگاهی بر خبرهایی که روی خروجی "فارس" قرار می‌گیرد و رویکرد سیاسی آن بویژه درباره جنبش سبز، گروه‌های سیاسی مخالف یا حتی منتقد نظام و همچنین سینه چاکی بی‌چون و چرای آن برای علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی عملاً خبرگزاری "فارس" را به یکی از بلندگوهای هسته اصلی قدرت در جمهوری اسلامی تبدیل کرده است.

یادداشت حاضر، تلاش می‌کند تا از طریق تبارشناسی مدیران عامل و شماری از مسوولان رده بالای خبرگزاری "فارس" و بررسی کارنامه آنها پیش و پس از حضور در این رسانه، نوری بر پیوندهای مشترک میان "فارس" و سپاه پاسداران بتاباند هرچند حلقه‌های پیوند سپاه و "فارس" آن‌چنان گسترده و پنهانی است که تلاش برای بررسی تمام زوایای آن، تنها گویای بخشی از ماجرا است آن‌چنان‌که به قول حضرت حافظ «حرفی است از هزاران کاندر عبارت آمد».



لوگو یا نشان این خبرگزاری نیز به گفته نخستین مدیرعاملش، توسط فردی به نام "نیرومنش" که «جوان مهندس خوش‌فکر و گم‌نامی» بود و «الآن هم در کار مستندسازی است» طراحی شد



تولد "فارس" و نخستین مدیرعامل؛ رسانه‌ای برای محافظه‌کاران

مهدی فضایی، از خانواده‌ای سپاهی و زاده اصفهان نخستین مدیرعامل خبرگزاری "فارس" بود که از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ در این سمت فعالیت کرد. زمستان سال ۱۳۷۶ یعنی کمتر از شش ماه بعد از روی کار آمدن دولت نخست سید محمد خاتمی بود که روزنامه "فردا" به مدیرمسئولی احمد توکلی، عضو باسابقه مجلس و کاندیدای دو دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۸۰ منتشر شد و آقای فضایی دبیری "سرویس سیاست داخلی" آن را بر عهده گرفت. "فردا" بعد از انتشار نزدیک به ۱۴۰ شماره از ادامه انتشار بازماند. فضایی اما سال ۱۳۷۸ نیز در روزنامه نوپای "جوان"، نزدیک به نهادهای امنیتی در سپاه پاسداران، ابتدا به عنوان دبیر سرویس سیاسی و چندی بعد در مقام سردبیری آن فعالیت کرد.

با این حال، وی نه تنها از تجربه فعالیت در این دو نشریه خاطرات خوبی ندارد بلکه اساساً یکی از دلایل راه‌اندازی خبرگزاری "فارس" را جلوگیری از تکرار این تجارب و پایان بخشیدن به این ادعا که «نیروهای اصولگرایان نمی‌توانند کار رسانه‌ای انجام دهند»، توصیف می‌کند: «در محافل مختلف بحث خلا وجود یک منبع خبری و رسانه خبری اصولگرا مطرح بود و این گلایه مطرح بود که تا کی باید از "ایسنا" و "ایرنا" استفاده کنیم. رسانه‌های ما به محتوای مورد نیاز خیلی سخت می‌توانستند دسترسی پیدا کنند لذا این موضوع به عنوان یک مطالبه عمومی اصولگرایان درآمده بود و در محافل رسانه‌ای و سیاسی این بحث مطرح می‌شد.»

بیژن مقدم، در شروع به کار "فارس"، هم‌زمان مسوولیت دبیری سرویس سیاسی و سردبیری آن را برعهده گرفت.

نخستین مدیرعامل "فارس"، نه تنها با ارکان قدرت، نهادهای نظامی و حتی بیت رهبر جمهوری اسلامی بیگانه نبود بلکه خود درباره سابقه فعالیت‌های خود در این نهادها چنین می‌گوید: «۲۰ سالم بود که سرپرستی واحد عقیدتی سیاسی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء را به عهده‌ام گذاشتند یا حدوداً سی ساله بودم که معاون آقای ناطق نوری در دفتر بازرسی مقام معظم رهبری شدم.»

برادر وی، سردار احمد فضایی، از جمله سرداران باسابقه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که گفته می‌شود در دوران جنگ ایران و عراق، نقش پررنگی در واردات اسلحه به ایران ایفا کرده است. احمد فضایی از سال ۱۳۷۸ به مدت شش سال ریاست فرماندهی دانشگاه امام حسین تهران را برعهده داشت و سال ۱۳۸۴، با حکم یحیی رحیم صفوی، فرمانده وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سمت مشاور عالی وی منصوب شد. احمد فضایی، دارای مدرک دکترای مدیریت آموزشی و عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین تهران است.

سعید نجار نوبری که مجوز خبرگزاری "فارس" برای وی صادر شده بود، بهار سال ۱۳۸۲ کلیه سهام این "مؤسسه فرهنگی" را به آقایان مهدی فضایی، حسن مرادی دادخواه و حسن شیرازی زاده انتقال داد و این افراد به عضویت هیأت مدیره "فارس" درآمدند. این تغییر سهام در تاریخ ۱۰ خردادماه سال ۱۳۸۲ به شماره ۸۰۸۴/۳۲ در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی درج شد.

فضایی هم‌چنین نقش پررنگی در تاسیس "انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان"، تشکل موازی با "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران" ایفا کرد. در آگهی تاسیس "انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان" که در تاریخ ۴ خردادماه سال ۱۳۸۲ به شماره ثبت ۲۲/۷۲۲۰ در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی منتشر شد، نام آقای فضایی به عنوان یکی از "اعضای موسس" آن به چشم می‌خورد. وی از تیرماه سال ۱۳۸۶ و به مدت دو سال دبیرکلی این نهاد را برعهده گرفت.

آقای فضایی از جنبش سبز و اعتراضات مردمی بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ به عنوان "نبرد حق علیه باطل" یاد می‌کند: «در فتنه ۸۸ جریان حق و باطل با یکدیگر درگیر بودند و همه می‌دانند که از ضدانقلاب‌ها، تا دشمنان دین و همجنس‌بازان در جبهه باطل بودند.»

وی هم‌چنین عضو هیأت منصفه مطبوعات نیز بود که دی ماه سال ۱۳۸۹ به دلیل آنچه که «بی‌اعتنایی قاضی به رای هیأت منصفه» درخصوص پرونده روزنامه دولتی "ایران" عنوان کرد، از این سمت استعفا داد. به این ترتیب، در دور جدید فعالیت هیأت منصفه مطبوعات که از مهرماه سال ۱۳۹۰ کار خود را آغاز کرد، نام مهدی فضایی دیده نمی‌شود.

آقای فضایی به عنوان یک عضو حقیقی عضو شورایی موسوم به شورای فرهنگ عمومی کشور است؛ نهادی که از زیر مجموعه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی ایران محسوب می‌شود و ریاست آن برعهده وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

فضایی تقریباً یک سال بعد از خروج از "فارس"، تمام سهام خود در "مؤسسه خبرگزاری فارس" را به مدیرعامل بعدی این خبرگزاری، حمیدرضا مقدم‌فر واگذار کرد و رسماً از این مؤسسه خارج شد. این تغییر سهام دوازدهم شهریور ماه سال ۱۳۸۷ با شماره ت ۱۷۵۴۷ / ۳۲ در روزنامه رسمی کشور به اعلام عمومی رسید.

وی از سال ۱۳۸۹ تاکنون به عنوان مدیرعامل انتشارات "سروش" فعالیت می‌کند.

دومین مدیرعامل؛ عصر سرکوب و تصفیه

حمیدرضا مقدم‌فر، دومین فردی بود که بر صندلی خبرگزاری "فارس" تکیه زد و از دی ماه سال ۱۳۸۶ تا مرداد سال ۱۳۹۰ در این سمت باقی ماند. هم‌زمان با روی کار آمدن آقای مقدم‌فر در این خبرگزاری، وبسایت "تابناک"، متعلق به محسن رضایی (فرمانده پیشین سپاه پاسداران بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶) در معرفی مدیرعامل جدید "فارس" نوشت که در کارنامه وی «سابقه عضویت در حزب جمهوری اسلامی، تدریس و مدیریت در آموزش و پرورش، همکاری و فعالیت در امور فرهنگی و مدیریتی سپاه، عضویت در مدیریت و تحریریه نشریات سیاسی و فرهنگی و عضویت در هیأت مدیره مؤسسه مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای دیده می‌شود.»

درباره دوران مدیرعاملی آقای مقدم‌فر، به دو نکته اساسی می‌توان اشاره کرد. نخست آنکه در این دوران، اختلافات درونی در "فارس" بیش از گذشته شدت یافت. این اختلافات اگرچه پیشتر نیز در این خبرگزاری ریشه دوانده بود اما نوع مدیریت مهدی فضائی، مقبولیت وی در میان پرسنل و ریش سفیدی وی در جریان برخی اختلاف نظرها عملاً به مثابه سرپوشی بر تضاد دیدگاه‌ها و منافع در "فارس" عمل می‌کرد.

با این حال، به دنبال روی کار آمدن مدیرعامل جدید، چهره‌های رادیکالی همچون عبدالرضا داوری و عباس توانگر به میدان‌داران اصلی "فارس" تبدیل شدند. عباس توانگر که سردبیری "فارس" را برعهده داشت همزمان مسوولیت گزینش نیروهای جدید و کنترل پرسنل را نیز عهده‌دار شد و این مسوولیت را آن‌چنان سخت‌گیرانه پیگیری کرد که خاکستر اختلافات درونی این خبرگزاری تا حد استعفا و اخراج دهها تن از خبرنگاران و کارکنان باسابقه این خبرگزاری شعله‌ور شد.

دومین مساله مهم در دوران مدیرعاملی آقای مقدم‌فر به جنبش سبز و مجموعه حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهور سال ۱۳۸۸ مربوط می‌شود. نزدیکی خبرگزاری "فارس" به سپاه پاسداران و نهادهای امنیتی باعث شد تا سپاه که در سال ۱۳۸۸ مسوولیت سرکوب جنبش سبز را برعهده داشت، عملاً آشکارتر از قبل از این خبرگزاری به مثابه پایگاه اطلاع رسانی علیه جنبش سبز و رهبران آن استفاده کند.

این رویکرد تنها به خروجی‌های خبرگزاری "فارس" محدود نشد بلکه در درون این خبرگزاری نیز تصفیه گسترده پرسنلی که به همراهی با جنبش سبز متهم شده بودند، آغاز شد؛ تصفیه‌سازی‌هایی که حتی از پیش از انتخابات سال ۱۳۸۸ آغاز شد و تا میانه‌های سال ۱۳۸۹ همچنان ادامه یافت. اگرچه بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ خیرها و شنیده‌های متعددی درباره اخراج، استعفا یا حتی پناهندگی شماری از اعضا و خبرنگاران "فارس" به گوش می‌رسید اما آمار قطعی حاکی از آن است که در این مدت، دست کم شصت نفر از کارکنان اغلب باسابقه "فارس" از این خبرگزاری اخراج شده و یا استعفا دادند.

از جمله، یوسف اسدی، قدیمی‌ترین خبرنگار "فارس" که از ۱۳ آبان سال ۱۳۸۱ یعنی از ابتدای شکل‌گیری این خبرگزاری در آن فعالیت می‌کرد، اسفندماه سال ۱۳۸۷ از فارس اخراج شد. وی که برای پوشش اخبار به مجلس شورای اسلامی رفته بود، در بازگشت به محل کار خود مطلع شد که به دلیل مصاحبه با الیاس نادران و احمد توکلی، دو نماینده اصولگرا اما مخالف محمود احمدی‌نژاد، رییس وقت جمهوری اسلامی، از "فارس" اخراج شده است.

به نوشته وی، مدیران "فارس" برای تصفیه و زمینه‌چینی به منظور استعفا و اخراج خبرنگارانی که مایل به ادامه همکاری با آنها نبودند، هیچ حد و مرز اخلاقی برای خود قائل نمی‌شدند: «رضا داوری، در مقابل سوال آقای وحید عسگری، دبیر سیاست خارجی فارس درباره علل اخراج شماری از کارکنان فارس، به زدن اتهام روی آورد و اخراجی‌های "فارس" را به داشتن مشکل اخلاقی و مالی در فارس متهم کرد.»

شماری از کارکنان خبرگزاری "فارس" که در این دوران اخراج شده و یا مجبور به استعفا شدند، عبارتند از: محمد صفری، مدیرکل سیاسی؛ وحید عسگری، دبیر سیاست خارجی؛ عطا افشاری، دبیر استان‌ها و صوت و تصویر؛ مجید سعیدی، دبیر عکس؛ حسن داداشی، مشاور مدیرعامل؛ احمد غلامی، خبرنگار؛ سهیلا فلاحی، خبرنگار؛ مریم فلاحی، خبرنگار؛ محمد عرفانی، خبرنگار سیاسی؛ فرمند علی پور، خبرنگار؛ مسعود لواسانی، خبرنگار؛ وحید بابایی، کارپرداز.

تیرماه سال ۱۳۸۸ نیز "فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران (آی. اف. جی)" با ابراز "نگرانی شدید" نسبت به "ادامه آزار روزنامه‌نگاران در ایران"، از اخراج یا استعفای نزدیک به ۴۰ نفر از خبرنگاران "فارس" خبر داد: «در هفته‌های اخیر ۳۹ روزنامه نگار و کارمند خبرگزاری محافظه کار "فارس" اخراج یا مجبور به استعفا شده‌اند که به خاطر درگیری آنها با مدیران پیرامون خط مشی خبری این نهاد بوده است.»

همچنین دو نفر از عکاسان خبری این خبرگزاری به نام‌های جواد مقیمی و حسین سلمان‌زاده نیز که به دلیل تهیه گزارش تصویری از اعتراضات خیابانی بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ از سوی مدیران "فارس" تحت فشار قرار گرفته بودند، سرانجام به ترکیه رفتند و تقاضای پناهندگی خود را ارائه دادند.

جواد مقیمی و حسین سلمان‌زاده مهرماه سال ۱۳۸۸ با حضور در برنامه افق صدای امریکا از انواع فشارها و محدودیت‌ها و همچنین نوع رویکرد مدیران "فارس" به پوشش اخبار مربوط به جنبش سبز سخن گفتند. آقای مقیمی در این برنامه در خصوص هشدار مدیر خبرگزاری "فارس" به وی به دلیل طرفداری از جنبش سبز گفت: «مدیر خبرگزاری "فارس" به من گفت که متوجه شده‌ایم که دو تن از عکاسان ما مخفیانه عکس گرفته و آنها را برای رسانه‌های خارجی فرستاده‌اند. ما منتظر اطلاعات بیشتر هستیم و به زودی با آنان برخورد می‌کنیم.»

مجید سعیدی، نخستین دبیر سرویس عکس "فارس" نیز که تا سال ۱۳۸۶ و به مدت پنج سال در این سمت فعالیت کرده بود، تیرماه سال ۱۳۸۸ در جریان بازداشت گسترده فعالان سیاسی، رسانه‌ای و روزنامه‌نگاران بازداشت شد و پس از مدتی در دادگاه‌های نمایشی بازداشت‌شدگان حوادث پس از انتخابات، شرکت داده شد و چندی بعد به قید وثیقه آزاد گردید. وی سرانجام از سوی دادگاه به سه سال حبس تعزیری محکوم شد.

این جو امنیتی و کنترل شدید خبرنگاران و کارکنان "فارس" تنها توسط یک چهره سپاهی-امنیتی می‌توانست تحقق یابد و بدین منظور انتخاب حمیدرضا مقدم‌فر به عنوان مدیرعامل، به تعبیری مناسب‌ترین گزینه به شمار می‌رفت.

حمیدرضا مقدم‌فر، با سال‌ها سابقه فعالیت در سپاه پاسداران و نهادهای امنیتی، با اسم مستعار "حاج حمید ناصری" در میان سپاهیان و نیروهای اطلاعاتی مشهور است. گفته می‌شود که وی مسوولیت بازجویی در پرونده "موسسه نظرسنجی آینده" در سال ۱۳۸۰ را که متهمان اصلی آن آقایان عباس عبدی، حسین قاضیان و بهروز گرانیپایه بودند، برعهده داشت.

به موجب آگهی شماره ۰۵۶۹۶/۳۲ که ۲۴ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۲ در روزنامه رسمی کشور درج شد، وی همچنین عضو و نایب‌رییس هیأت مدیره "موسسه فرهنگی، علمی و هنری غیرانتفاعی ثامن الحجج"، به شماره ثبت ۹۵۲۴ است.

از جمله اقدامات مقدم‌فر در دوران مسوولیت در "فارس"، می‌توان به راه‌اندازی باشگاه آموزش خبرنگاری "فارس" موسوم به توانا در تیرماه سال ۱۳۸۷ اشاره کرد. این باشگاه با برگزاری چند کارگاه سعی کرد تا شماری از جوانان علاقمند به کار خبرنگاری و همسو با سیاست‌های "فارس" را شناسایی و جذب کند. به دنبال اخراج و تصفیه شماری از کارکنان و خبرنگاران "فارس"، مسوولان این خبرگزاری اغلب جایگزین‌های آنها را از میان پرورش‌یافتگان "توانا" برگزیدند.

خبرگزاری "فارس" در دوران مدیریت مقدم‌فر روزهای ویژه‌ای را به ویژه در بحبوحه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ از سر گذراند. این خبرگزاری، نخستین رسانه‌ای بود که خبر پیروزی محمود احمدی‌نژاد در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ را در ساعات پایانی رأی‌گیری و پیش از اعلام نخستین نتایج شمارش آراء از سوی وزارت کشور روی خروجی خود قرار داد؛ موضوعی که بعدها از سوی گروه‌های مختلف سیاسی و به ویژه رهبران جنبش سبز به عنوان یکی از قطعات پازل تقلب و مهندسی آرا در جریان انتخابات سال ۱۳۸۸ از آن یاد شد.

حمیدرضا مقدم‌فر بعد از پایان فعالیت‌اش در خبرگزاری "فارس" بار دیگر به سپاه پاسداران بازگشت و با یک درجه ترفیع، "سرتیپ تمام" شد و از آن زمان تاکنون به عنوان "معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه پاسداران" مشغول به فعالیت است.

با این حال، مقدم‌فر از کار رسانه‌ای دست نکشید؛ آن‌چنان‌که در راه‌اندازی خبرگزاری "تسنیم"، دیگر خبرگزاری متعلق به سپاه پاسداران که مهرماه سال ۱۳۹۱ آغاز به کار کرد، نقش مهمی داشت. وی این بار، پشت صحنه حضور دارد و "رییس شورای سیاست‌گذاری تسنیم" است اما نزدیک‌ترین افراد به مقدم‌فر یعنی مجید قلی‌زاده به عنوان مدیرعامل و عباس توانگر در مقام سردبیر این خبرگزاری مشغول به فعالیت هستند.

در تحلیل نهایی، خبرگزاری "فارس" در دوران مدیرعاملی حمیدرضا مقدم‌فر از رابطه نزدیک‌تری با نهادهای امنیتی و سپاه پاسداران برخوردار شد و رابطه این خبرگزاری به ویژه با بخش‌های امنیتی سپاه، بیش از گذشته نمایان گشت و در این میان، اوج‌گیری اعتراضات مردمی و نقش بی‌بدیل سپاه در سرکوب جنبش سبز عملاً پرده از بنیان‌های امنیتی "فارس" کنار زد.

سومین مدیرعامل؛ «ما بسیجی‌ها ۱۸ تیر کتک خوردیم»

سید نظام‌الدین موسوی مردادماه سال ۱۳۹۰ به عنوان سومین مدیرعامل خبرگزاری "فارس" جایگزین حمیدرضا مقدم‌فر شد. آقای موسوی از فعالان شناخته شده و قدیمی بسیج دانشجویی است که در سرکوب دانشجویان در قیام ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ به عنوان "مسئول دفتر سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه تهران" نقش فعالی ایفا کرد. وی در آن زمان، دست راست علیرضا زاکانی، از سرداران سپاه و رییس وقت بسیج دانشجویی دانشگاه تهران به شمار می‌رفت.

این فارغ‌التحصیل علوم سیاسی از دانشگاه تهران، پیش از حضور در "فارس"، سال ۱۳۸۷ مدیرمسوول روزنامه "جوان" شد و بدین ترتیب، از تجربه کار رسانه‌ای در همراهی با نهادهای امنیتی و سپاه برخوردار شد. عضویت موسوی در سپاه و بسیج، روزنامه "جوان" را به تریبون اصلی این نهادها تبدیل کرد به گونه‌ای که در اغلب پایگاه‌های بسیج، علاوه بر روزنامه "کیهان"، روزنامه "جوان" نیز به طور گسترده‌ای توزیع می‌شد.

وی آذرماه سال ۱۳۹۰ در گفتگو با وب‌سایت "رجانیوز"، از پایگاه‌های خبری نزدیک به محمدتقی مصباح یزدی و جبهه پایداری، در توضیح فعالیت خود در قیام دانشجویی ۱۸ تیر ماه سال ۱۳۷۸ می‌گوید: «تجمع از جلوی ساختمان ۲۲ {دانشگاه تهران} شروع شد. از طرفی چون ایام امتحانات بود، خیلی اقبالی به اینها نشد و یادم هست که از کم بودن جمعیت عصبانی شدند... نهایتاً حدود ۱۵۰ نفر که شدند و دیدند در کوی نمی‌توانند کاری کنند، بیرون رفتند. ما هم رفتیم ببینیم چه خبر است. اسم تجمع به نام انجمن نبود ولی فعالین آن، عناصر انجمن تهران و دفتر تحکیم بودند.»

نظام‌الدین موسوی معتقد است که در قیام ۱۸ تیر بیشتر کسانی که کتک خوردند، از جمله «بسیجی‌ها» و «بچه حزب‌اللهی‌ها» بودند: «خیلی از کسانی که آن شب کتک خوردند، بچه بسیجی‌ها و رزمنده‌ها بودند، چون ساختمان ۱۵ و ۱۴ عموماً بچه‌های ایثارگر بودند. آنهایی هم که چه مقصر و چه غیر مقصر از دست نیروی انتظامی فرار می‌کردند هم می‌رفتند داخل اتاق اینها که بعداً ما اینها را تحت عنوان "آسیب‌دیدگان اصلی کوی دانشگاه" به مراجعه قانونی مختلف معرفی کردیم تا حق تضییع شده شان را اعاده کنند.»

وی خود را آن‌چنان «فدایی» علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی می‌داند که مدعی است در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ زمانی که شماری از دانشجویان شعارهایی علیه رهبری سر دادند، بی‌اختیار عنان از کف داد، «کلاسور» اش را بر زمین کوبید و به میان شعاردهندگان رفت: «در این فضا طیف مخالف نظام آمدند، روی موج سوار شدند و اولین بار بود که به طور خاص علیه رهبری شعار دادند که دیگر من نتوانستم خودم را کنترل کنم و کلاسوری که دستم بود را زمین زدم و وسط جمعیت رفتم، شروع کردم به شعار دادن در دفاع از رهبری. من که این کار را کردم یکی دو نفر دیگر از بچه‌ها آمدند و به من ملحق شدند اما عده زیادی از افراد مقابل، روی سر ما ریختند و با سنگ و چوب به ما حمله بردند.»

عباس درویش توانگر، سردبیر وقت خبرگزاری "فارس"، چهارم مردادماه سال ۱۳۹۰ طی سخنانی در جریان مراسم معارفه نظام‌الدین موسوی، وی را "از یاران قدیمی فارس" معرفی کرد: «موسوی از بطن "فارس" است و از ابتدای فعالیت "فارس" همراه این خبرگزاری بوده و در مقطعی دبیر اخبار ویژه خبرگزاری "فارس" بوده است. همچنین عضویت در هیأت مدیره این خبرگزاری را نیز در سابقه خود دارد.»

سردبیر "فارس"، با اشاره به سابقه زیاد آقای موسوی در بسیج دانشجویی، از آن دوره به عنوان «درخشان‌ترین دوره‌های بسیج دانشجویی» نام برد.

نظام‌الدین موسوی همچنين شهريورماه سال ۱۳۹۰ در نخستين جلسه هفتمين دوره هيئت مديره انجمن روزنامه نگاران مسلمان، به عنوان "دبير كل" اين انجمن انتخاب شد و همچنان نيز در اين سمت حضور دارد؛ انجمنی متشکل از هواداران سرسخت حکومت جمهوری اسلامی و علی خامنه‌ای که به عنوان یک تشکل موازی با "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران" فعالیت می‌کند.

آقای موسوی همچنين بهار سال ۱۳۸۸ به عنوان "مدیرعامل شرکت توزیع مجتمع پیام‌آوران نشر روز" به شماره ثبت ۱۶۵۶۱۸ معرفی شد و خبر مدیرعاملی وی در این شرکت، دوم خرداد ماه سال ۱۳۸۸ به شماره ۳۲/ت/۰۵۳۲۴ در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی منتشر شد. بر اساس این اطلاعیه، حمیدرضا مقدم‌فر، مدیرعامل پیشین خبرگزاری "فارس" نیز عضو هیأت مدیره این شرکت محسوب می‌شود. سرتیپ پاسدار سیدمسعود جزایری، "معاون کنونی امور بسیج و فرهنگ دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح" نیز دیگر عضو هیأت مدیره این شرکت اعلام شده است.

"فارس" در دوره مدیریت آقای موسوی، رفته رفته از محمود احمدی‌نژاد فاصله گرفت و تندترین انتقادهای را از اسفندیار رحیم مشایی، یار غار احمدی‌نژاد، روی خروجی خود قرار داد. این انتقادهای و شکاف میان سپاه و نهادهای امنیتی با محمود احمدی‌نژاد و یارانش آن چنان بالا گرفت که وی مهر ماه سال ۱۳۹۱ در یک کنفرانس خبری در پاسخ به سوال خبرگزاری "ایرنا"، بدون نام بردن از "فارس" گفت: «یک خبرگزاری که وابسته به یک نهاد امنیتی است نباید ورود کند به مسائل سیاسی.»

خبرگزاری "فارس" طی دو سال و نیم اخیر در زمان مدیرعاملی آقای موسوی، همچنان به مثابه بازوی رسانه‌ای سپاه و نهادهای امنیتی فعالیت می‌کند. علاقه مدیرعامل این خبرگزاری به "اخبار ویژه" و "شنیده‌ها" در محافل سیاسی باعث شده تا ستون «اخبار ویژه» روزنامه تندروی "کیهان"، صبح به صبح و برای ساعت‌ها روی صفحه اول خروجی وبسایت فارس قرار گیرد.

منابع مالی؛ «دست ما چندان هم باز نیست»

در شرایطی که کار رسانه‌ای و خبرنگاری در جمهوری اسلامی یکی از پُریسک‌ترین مشاغل با حقوق ناکافی به شمار می‌رود، خبرگزاری "فارس" از جمله معدود رسانه‌هایی محسوب می‌شود که از همان ابتدا کارکنانش را از لحاظ مالی به طور قابل ملاحظه‌ای تامین کرد. وابستگی به سپاه و نهادهای امنیتی که همه ساله از بودجه سرشاری برخوردار هستند، عملاً دغدغه مدیران "فارس" و سایر رسانه‌های این نهادها را بر طرف کرده است؛ هرچند مدیران چنین رسانه‌هایی اغلب درباره تامین بودجه خود توسط سپاه سخنی به میان نمی‌آوردند.

مهدی فضائلی، نخستین مدیرعامل "فارس" حتی مدعی است که این خبرگزاری در ابتدای راه‌اندازی از محدودیت بودجه‌ای رنج می‌برد: «ما دستمان خیلی هم باز نبود و مشکل بودجه داشتیم... اگر مشکل بودجه نبود حتما ساختمان دیگری را برای خبرگزاری تهیه می‌کردیم و آن قدر، هم برای بازسازی و هم در دوره بهره‌برداری اذیت نمی‌شدیم.»

وی در توضیح منبع مالی این خبرگزاری، از لفظ "سرمایه‌گذار" استفاده می‌کند و چنین می‌گوید: «در آغاز کار مسئله‌ای را با سرمایه‌گذار حل کردیم و توافق کردیم. به عبارت دیگر سنگ‌هایمان را همان اول واکندیدیم. همان اول گفتیم ما را به عنوان مجموعه‌ای که کار را بلد هستیم قبول دارید یا اینکه می‌خواهید خود شما هم در کار حرفه‌ای دخالت کنید؟ که سرمایه‌گذار اعلام کرد شما را قبول داریم و ما ورود نمی‌کنیم. دویم اینکه شما به لحاظ فکری ما را قبول دارید یا احیاناً تردیدی دارید که در این زمینه هم گفتند کاملاً قبول داریم. نتیجه این دو این بود که ما خواهش کردیم به ما اعتماد کنند و اجازه دهند کارمان را انجام دهیم و هر جا سوال و ابهامی بود مطرح کنند؛ آنها هم کاملاً پذیرفتند.»

آقای فضائلی از "سلامت مالی" به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی "فارس" نام برده و می‌گوید زمانی که "چند نفر از نیروهای خدماتی و پشتیبانی فارس" سعی کردند مواردی از فساد مالی مدیران این خبرگزاری را فاش کنند، تنها چیزی که یافتند این بود که «فلانی برای خودش کباب کوبیده ویژه سفارش می‌دهد و فلان مدیر هم از ماشین خبرگزاری برای کارهای شخصی استفاده می‌کند.»

وی حتی از طفره رفتنش از پاسخ به پرسش علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی درباره منابع مالی "فارس" در جریان دیدارش با وی خبر می‌دهد و زیرکی خود در این مورد را به "اصفهانی بودنش" نسبت داده است: «روزی با آقای هاشمی رفسنجانی ملاقات داشتم... یکی از سوالات ایشان در باره بودجه و منبع تامین مالی خبرگزاری بود. من هم این موارد را ردیف کردم فروش عکس، تفاهم‌نامه، آگهی و... ولی خوب معلوم بود که این پاسخ برای فرد باتجربه و زیرکی مثل آقای هاشمی قانع‌کننده نبود. ایشان گفت بعید است اینها کفاف بودجه خبرگزاری را بدهد! من هم گفتم بله، البته کمک‌هایی را هم دریافت می‌کنیم. ایشان علاقمند بود اسم سرمایه‌گذار و حامی مالی را از زبان بنده بشنوند و من بنا داشتم هم دروغ نگویم و هم نامی از سرمایه‌گذار نبرم (سرمایه‌گذار ما علاقمند بود بی‌ریا کار کند!) و سرانجام شاید ویژگی اصفهانی بودنم موجب شد بنده موفق شوم! البته قطعاً ایشان حدس می‌زد و چیزی شنیده بود ولی به هر حال اینکه از بنده بشنوند فرق می‌کرد، لذا من به بنای خودم پایبند ماندم که شاید ایشان انتظار نداشت.»

با این حال، نخستین مدیرعامل "فارس" تأیید می‌کند که «حامی مالی "فارس" خیلی مورد سوال بود و حدس و گمان‌های زیادی درباره آن مطرح می‌شد» به گونه‌ای که «یک روز آن را به قوه قضاییه منتسب می‌کردند، یک روز به آقای محسن رضایی، یک روز سپاه و یک روز گزینه‌های دیگر.»

وی درعین حال تصدیق می‌کند که "دستمزد خوبی" به کارکنان "فارس" پرداخت می‌شد: «ما از متوسط حقوقی که در رسانه‌ها پرداخت می‌شد بالاتر پرداخت می‌کردیم به خاطر این که معتقد بودیم همکارانمان از یک کفی نباید کمتر دریافت کنند ضمن اینکه این را یکی از وظایف مهم مدیر می‌دانم که به فکر معیشت پرسنل باشد.»

در همین راستا، "شرکت تعاونی مسکن کارکنان خبرگزاری فارس" در شهریورماه سال ۱۳۸۶ تاسیس شد و خبر تاسیس آن به تاریخ ۳/۶/۱۳۸۶ با شماره ۳۲/۸۶/ث/۱۱۶۸۱ در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی درج گردید.

در این میان، تردید نیست که بودجه سرشار سپاه پاسداران و سایر نهادهای امنیتی، عملاً مشکلی برای تامین منابع مالی رسانه‌های وابسته به این نهادها باقی نخواهد گذاشت. به عنوان مثال، در لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ که نخستین لایحه بودجه ارائه شده از سوی دولت حسن روحانی محسوب می‌شود، بعد از ارتش، بیشترین افزایش بودجه متعلق به سپاه پاسداران است که بودجه آن با ۳۰ درصد افزایش نسبت به سال قبل رقمی معادل ۴۴ هزار و ۵۶۶ میلیارد و ۶۸۶ میلیون ریال در نظر گرفته شد.

فارس و سپاه؛ پیوندهایی فراتر از مدیران عامل

روزنامه جوان، خبرگزاری تسنیم، نشریه صبح صادق، وبسایت‌های مشرق نیوز، جهان نیوز، جام نیوز، تریبون، بولتن نیوز، ۵۹۸ و عمارنامه و بسیاری پایگاه‌های خبری دیگر اگرچه هرکدام تا حدی افکار و رویکردهای سپاه و بخش‌های امنیتی آن را نمایان می‌سازند، با این وجود خبرگزاری «فارس» هم‌چنان آشناترین و پرمخاطب‌ترین ارگان خبری سپاه پاسداران محسوب می‌شود. بررسی سوابق شماری دیگری از مسوولان و خبرنگاران رده بالای «فارس» نیز نشان‌دهنده پیوند انکارناپذیر این خبرگزاری با سپاه و نهادهای امنیتی است.

از جمله این افراد، مرتضی قمری وفا، نویسنده کتاب «براندازی در سکوت (آسیب‌شناسی دوران گذار به جامعه مردم‌سالار دینی)»، سردبیر سابق نشریه «یاران بسیجی» (یکی از ارگان‌های بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران)، عضو سابق سرویس سیاسی روزنامه «کیهان» است که از سال ۱۳۸۴ عضو شورای سیاستگذاری خبرگزاری «فارس» بود و بعد از روی کار آمدن نظام‌الدین موسوی در این خبرگزاری، به عنوان «معاون خبر» مشغول به کار شد.

آقای موسوی در معرفی مرتضی قمری وفا می‌گوید: «قمری وفا از آبان ۸۴ به خبرگزاری «فارس» پیوست و مدیر گروه سیاسی و سیاست خارجی شد و در اردیبهشت ۸۶ هم به سمت مدیرکل امور رسانه‌ها و افکار عمومی دفتر رییس جمهور منصوب گشت. وی در ادامه و در آذر ماه ۸۷ و پیش از انتخابات ریاست جمهوری، به روزنامه «ایران» رفت و به عنوان سردبیر و معاون مدیرمسول، همسو با جبهه مدافعان انقلاب و ولایت، به مقابله با جریان داخلی و خارجی فتنه پرداخت؛ تا اینکه در اواسط فروردین سال ۹۰ اعضای هیأت مدیره و مدیران ارشد مؤسسه مطبوعاتی «ایران» از سوی عناصر انحراف کنار گذاشته شدند.»

«مشاور معاونت فرهنگی سپاه پاسداران»، «عضو شورای سیاستگذاری فصلنامه دولت اسلامی»، «عضو شورای مشورتی سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)» و «عضو علی‌البدل هیأت مدیره پیشین انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان» نیز از دیگر سوابق موجود در کارنامه آقای قمری وفا محسوب می‌شوند.

محمد پاریاب دیگر چهره رسانه‌ای «فارس» است که البته دامنه فعالیت‌اش را تنها به رسانه‌ها محدود نکرد. وی در زمان انتخابات ریاست جمهوری سالی ۱۳۸۴ و اوج منازعه محمود احمدی‌نژاد و علی اکبر هاشمی رفسنجانی، دبیر سرویس سیاسی خبرگزاری «فارس» بود. این همکار سابق نشریه «صبح صادق»، ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ از هیچ کوششی برای حمله به هاشمی رفسنجانی و تخریب چهره وی خودداری کرد و به دنبال پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات، بلافاصله پاداش خود را از دولت وی دریافت کرد.

آقای پاریاب، دی ماه سال ۱۳۸۴ با حکمی از سوی غلامحسین الهام، سخنگوی وقت دولت احمدی نژاد به عنوان «معاون سخنگو و دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت» منصوب شد اما آذرماه سال ۱۳۸۶ از این سمت استعفا داد. با این حال، این آخرین پله ترقی‌های آقای پاریاب نبود و وی چندی بعد به عنوان «مدیرعامل موسسه آتیه» که کارهای فنی و چاپ روزنامه «خورشید» (نزدیک به اسفندیار رحیم مشایی) را انجام می‌داد، منصوب شد.

پایان‌بندی؛ سپاه رسانه می‌خواهد

خبرگزاری «فارس» بی‌شک آشکارترین نمود رسانه‌ای سپاه پاسداران جمهوری اسلامی است. رسانه‌ای که البته نزدیکی آن به سپاه و بخش‌های امنیتی آن مدتهاست که بر همگان آشکار شده است. با این وجود، همان‌گونه که در بدنه سپاه می‌توان به جریان‌های مختلفی اشاره کرد، ارگان‌های رسانه‌ای آن نیز از این قاعده مستثنی نیستند آن‌چنان‌که مهدی فضائی، از رویکردهای مدیریتی بیشتری در تاسیس و تثبیت «فارس» استفاده کرد اما حمیدرضا مقدم‌فر تنها به پشتوانه پیشینه بسیجی خود راهی «فارس» شد و اصلی‌ترین مسوولیت خود در تصفیه «فارس» را سخت‌گیرانه به پیش برد.

نظام‌الدین موسوی، تا حدود زیادی، همان رویکرد مقدم‌فر را در پیش گرفته است با این تفاوت که به دلیل رفتارهای مذذب محمود احمدی‌نژاد به عنوان یک چهره اصول‌گرا، «فارس» اینک ترجیح می‌دهد که در دفاع از اصول‌گرایی جانب احتیاط را رعایت کند و به جای آن، بیش از گذشته، وفاداری خود به علی خامنه‌ای، رهبر کهنسال جمهوری اسلامی را برجسته می‌سازد.

سپاه پاسداران را اگر اصلی‌ترین بازیگر سیاسی در جمهوری اسلامی کنونی ندانیم، دست کم، بی‌تردید، یکی از تاثیرگذارترین نهادها در معادلات کنونی و پیش روی قدرت در حکومت تهران محسوب می‌شود. نهادی که ابتدا نظامی بود، سپس به اقتصاد روی آورد، چندی بعد به صنعت و انرژی رفت و در آخرین فاز، به نهادی امنیتی نیز تعمیم یافت و اینک ترکیبی از تمامی این موارد است. از این رو، امروز مطالعه درباره مناسبات قدرت در جمهوری اسلامی، بی‌توجه به مواضع سرداران سپاه، مطالعه جامعی محسوب نمی‌شود و همین کافی است تا خبرگزاری «فارس»، به مثابه رسانه‌ای برآمده از بدنه سپاه، در قامت نهادی فراتر از یک رسانه تعریف شود.

***: این یادداشت به سفارش «مرکز ایرانی مطالعات لیبرالیسم» و جهت انتشار در وبسایت‌های «بامدادخبر» و «تقاطع» نوشته شده و بازانتشار آن، تنها با ذکر نام این مرکز و منبع انتشار آن مجاز است.**

طرح سلامت روحانی از رویا تا واقعیت

دکتر دادخواه ضمن مثبت ارزیابی کردن این طرح، مسأله‌ی اصلی را محل تأمین اعتبارات آن می‌داند و می‌گوید: «این‌که دولتی برای مردم خود بهداشت و درمان را ساده و کم‌هزینه‌تر فراهم نماید، مسأله قابل قبول و درستی است اما فراموش نکنیم که راه‌هایی که به جهنم ختم می‌شود هم گاهی با نیت خوب هموار شده است. امروز مسأله این نیست که بخواهیم اعتراضی به چنین طرح‌هایی داشته باشیم؛ بلکه مسأله این است که اولاً با توجه به بودجه دولت و همچنین وضعیت اقتصادی ایران، دولت چگونه می‌خواهد مخارج چنین طرحی را تأمین کند. آیا قرار به انتشار پول است و یا قرار به تأمین هزینه‌های چنین طرحی از محل هزینه‌های دیگر دولت است. ثانیاً کنترل و نظارت چنین طرحی را چه کسی تأمین خواهد کرد.»

او ادامه می‌دهد: «به‌طور مثال در امریکا تأمین و خدمت‌رسانی به نیروهای ارتش یکی از اهداف مهم دولت است اما دیدید که چه رسوایی در ارائه خدمات درمانی به سربازان آمریکایی رخ داد به طوری که وزیر بهداشت این کشور مجبور به استعفا از مقام خود شد. همچنین نباید فراموش کرد که در امریکا ساز و کار اقتصادی شفاف است؛ چیزی که در سیستم اقتصادی غیر شفاف و رانتی ایران وجود ندارد. بنابراین این نگرانی به طور طبیعی چند برابر خواهد شد. و یا مثلاً در انگلیس بعد از جنگ جهانی دوم که دولت بیمه همگانی ایجاد کرد یکی از اشکالات این بود که مردم بدون دلیل با مراجعه به بیمارستان‌ها هزینه‌های زیادی را برای دولت ایجاد کرده بودند. همان‌طور که پیش‌تر هم گفتیم اساس چنین طرح‌هایی خوب است اما این فرایندی است که در کشورهای دیگر تجربه شده است و راه‌های بهتری برای ارائه خدمات درمانی وجود دارد.»

تبعات برداشت غیر قانونی دولت از صندوق ذخیره ارزی

صندوق ذخیره ارزی (Foreign Exchange Reserves) و صندوق پول (Sovereign Wealth Fund) از جمله ابزارهایی است که دولت‌ها در جهان برای ذخیره ثروت‌های مازاد خود از آن بهره می‌گیرند. این صندوق‌ها در کشورهای خاورمیانه، عمدتاً برای سامان‌دهی به مازاد درآمد نفتی استفاده می‌شود. در ایران نیز از سال ۱۳۷۹ تشکیل حساب ذخیره ارزی با همین هدف صورت گرفت اما تجربه سه دولت و برداشت‌های مکرر و بی‌برنامه از این حساب، ماهیت و نقش اقتصادی آن را زیر سوال برده است. برای نمونه، در اواخر اردیبهشت‌ماه بود که دادستان "دیوان محاسبات" خبر از برداشت ۱/۴ میلیارد دلاری دولت از "صندوق توسعه ملی" داد. هرچند که اسحاق جهانگیری روز ۲۸ اردیبهشت ماه اعلام کرد: «دولت و ستاد تدابیر ویژه اقتصادی هیچ مصوبه‌ای در خصوص برداشت از منابع صندوق توسعه ملی نداشته اصرار دارد که به هیچ وجه از منابع صندوق در بودجه کشور استفاده نشود.»



اعتبار «طرح تحول نظام سلامت» از چه طریقی تأمین می‌شود؟

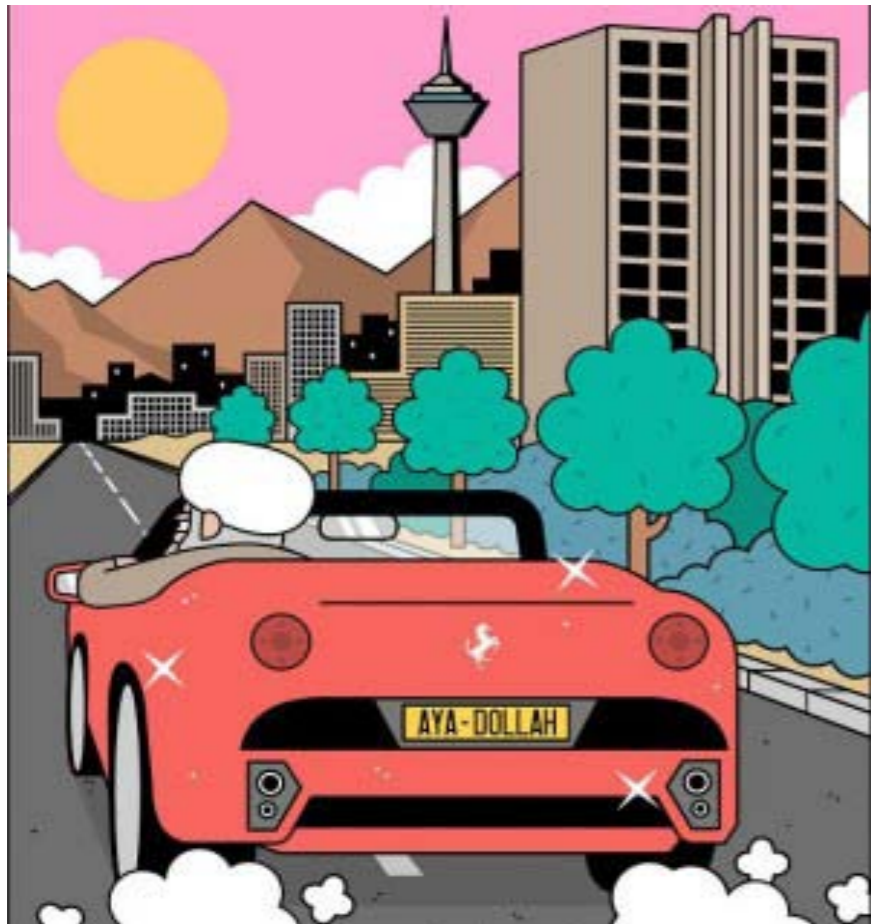
عبدالرضا احمدی: نیمه اردیبهشت ماه سال جاری بود که حسن روحانی، رییس جمهوری اسلامی، در جمع خبرنگاران از اجرای "طرح تحول نظام سلامت" در ایران خبر داد گفت که این طرح باعث «تعالی» میان مسوولیت بخش دولتی و هزینه‌هایی که مردم در بخش درمان پرداخت می‌کنند، خواهد شد. به دنبال آن، معاون درمان وزارت بهداشت نیز در سخنانی وعده داد که با اجرای این طرح، مشکلات اساسی مردم در زمینه‌ی پرداخت مستقیم، کیفیت خدمات درمانی و عدالت در دسترسی به خدمات، حل خواهد شد.

در این خصوص با کامران دادخواه، استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه نورث‌ایسترن بوستون آمریکا به گفتگو نشستیم. وی در این گفتگو، ضمن بررسی "طرح تحول نظام سلامت" به ارزیابی برداشت دولت‌ها از محل درآمد نفت می‌پردازد.



این‌که دولتی برای مردم خود بهداشت و درمان را ساده و کم‌هزینه‌تر فراهم نماید، مسأله قابل قبول و درستی است





زندگی لوکس گروهی معدود در سایه حکومت روحانیان تهران

روزنامه‌ی «نیویورکتایمز» در بخش دیدگاه‌های خود با انتشار یادداشتی با عنوان «حکومت مذهبی، زندگی تجملی»، به وضعیت اقتصاد ایران بعد از روی کار آمدن دولت روحانی پرداخته خاطر نشان می‌کند که در ایران کنونی حتی مدرک دانشگاهی نیز نمی‌تواند شانس داشتن یک زندگی بهتر را برای مردم افزایش دهد.

این روزنامه معتبر امریکایی در شماره روز سه‌شنبه (۲۰ خرداد ۱۰- ژوئن) در یادداشتی به قلم «شهرزاد القانیان» با اشاره به شکاف طبقاتی و زندگی فوق تجملی شمار معدودی از مردم در تهران می‌نویسد: «ثروتمندان در تهران، اتومبیل‌هایی همچون پورشه، فراری و مازراتی سوار می‌شوند و در آپارتمان‌های چندمیلیون دلاری لوکسی با لوازم آشپزخانه مارک بوش و سیستم‌های دوش کامپیوتری زندگی می‌کنند.»

آقای دادخواه با بیان این‌که برداشت از صندوق ارزی دارای چند «ایراد اساسی» است، می‌گوید: «سال‌ها است که این بحث مطرح است که پول نفت سرمایه مردم است لذا نباید خرج هزینه‌های جاری کشور شود. اتفاقاً در همین راستا بود که یکی از اقداماتی که برای حفظ این سرمایه در نظر گرفته شد ایجاد صندوق ذخیره ارزی بود تا با نگهداری بخشی از پول حاصل از فروش نفت، امکان سرمایه‌گذاری در کشور را از محل این سرمایه فراهم کند. هر چند که حقیقت این است که باید تمام پول حاصل از فروش نفت را در چنین صندوق‌هایی ذخیره کرد اما می‌توان گفت برداشت این پول برای هزینه‌های جاری دولت و نه برای سرمایه‌گذاری چه با مجوز و چه بدون مجوز کار غلطی است.»

این اقتصاددان اضافه می‌کند: «وقتی دولتی عمل غیر قانونی انجام دهد چگونه می‌تواند ادعا کند که می‌خواهد رانت‌خواران را مهار کند. و اساساً چرا افرادی مثل امیرخسروی در این چنین شرایطی که خود دولت عمل غیر قانونی می‌کند باید اعدام شوند.»



«سه بانک از ده بانک موجود در فهرست بورس اوراق بهادار تهران به علی خامنه‌ای تعلق دارد.»



**کوچک ترین اقلیت بر روی زمین فرد می باشد.
آنهايي که حقوق فردي را انکار می کنند نمی توانند
ادعا کنند مدافعین اقلیت ها هستند.**



آین رند، رمان‌نویس، فیلسوف، نمایشنامه‌نویس و فیلمنامه‌نویس روسی - آمریکایی بود

مدرسه لیبرالی

دانشجویان و دانش‌آموختگان لیبرال ایران
Iranian Liberal Students and Graduates

«کوچک‌ترین اقلیت بر روی زمین فرد است. آن‌هایی که حقوق فردی را انکار می‌کنند نمی‌توانند ادعا کنند مدافع اقلیت‌ها هستند.» - آین رند

The smallest minority on earth is the individual. Those who deny individual rights cannot claim to be defenders of minorities.” -Ayn Rand

نویسنده این یادداشت می‌پرسد: «سی و پنج سال بعد از انقلاب اسلامی که برقراری یک مدینه فاضله و ریشه‌کن کردن «غربی‌زدگی» را نوید داده بود چطور گروه محدودی به چنین ثروتی رسیده‌اند؟»

وی در ادامه با اشاره به مقاله اخیر سعید قاسمی‌نژاد، کارشناس مسائل اقتصادی و امانوئل اتولنگی، پژوهش‌گر سیاسی در نشریه «والاستریت ژورنال» می‌افزاید که این دو نویسنده تخمین زده‌اند که «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» از طریق «سیستم‌های بانکی، ساخت و ساز، فلزات و معدن، پتروشیمی، خودرو و ارتباطات از راه دور» هم‌اکنون نزدیک به ۲۰ درصد از ارزش بازار شرکت‌های تجاری در بورس اوراق بهادار تهران را در اختیار دارد.

حسن روحانی، رییس جمهوری اسلامی، بلافاصله بعد از پیروزی در انتخابات سال گذشته از سپاه خواست تا فعالیت‌های اقتصادی خود را به «چند پروژه معدود ملی»، محدود کند اما به گزارش بنیاد امریکایی «هریتیج»، سپاه در گردآوری پول‌ها تنها نیست بلکه «شماری از روحانیان تندرو ثروت‌های زیادی را از طریق در اختیار داشتن بنیادهای معاف از پرداخت مالیات، جمع کرده‌اند».

این یادداشت با اشاره به تحقیق اخیر «رویترز» که ثروت «امپراتوری مالی» علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی را دست‌کم ۹۵ میلیارد دلار برآورد کرده بود، از قول قاسمی‌نژاد و اتولنگی اضافه می‌کند که «سه بانک از ده بانک موجود در فهرست بورس اوراق بهادار تهران به علی خامنه‌ای تعلق دارد».

نویسنده‌ی نیویورک‌تایمز با اشاره به «فساد» و «سوءمدیریت» در ایران، ضمن تاکید بر این‌که یافتن اطلاعات قابل اعتماد درباره میزان فقر در ایران دشوار است، از قول موسی ثروتی، «عضو کمیسیون برنامه و بودجه در مجلس شورای اسلامی»، می‌افزاید که «۲۰ درصد جمعیت کشور یعنی بیش از ۱۵ میلیون نفر فقیر هستند». آن هم در حالی که «فایننشال تایمز» با استناد به تحقیقی که اخیراً در «دانشگاه الزهرا»ی تهران انجام شده، «جمعیت فقیر ایران را ۳۵ درصد برآورد کرده است».

وی با اشاره به نرخ تورم ۳۴ درصدی ایران تصریح می‌کند که هم‌اینک متوسط ماهانه درآمد شهری ۶۰۰ دلار و روستایی ۳۳۹ دلار است و حداقل درآمد ماهانه یک فرد تحصیل‌کرده در ایران به سختی از ۵۰۰ دلار تجاوز می‌کند. آن هم در حالی که از هر ۴ ایرانی زیر ۲۹ سال، ۱ نفر بی‌کار است.

نویسنده یادداشت در پایان می‌نویسد که هرچند کمپانی‌های خارجی در انتظار پایان تحریم‌ها برای ورود به بازار ایران و سرمایه‌گذاری در این کشور هستند، اما پیش از بازسازی این روابط اقتصادی، رهبران حکومت ایران باید نخ

آقای عسگری آزاد با بیان این‌که «کشوری مانند ژاپن با ۱۳۰ میلیون نفر جمعیت فقط ۳۱۰ هزار نفر شاغل دولتی دارد»، افزود که تنها تعداد مدیران دولتی در ایران بیش از ۵/۱ برابر شاغلان دولتی کشور ژاپن است.

وی از استخدام «رسمی»، «پیمانی» یا «قراردادی» بیش از ۶۵۰ هزار نفر در دو دولت محمود احمدی‌نژاد بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ خبر داد و تصریح کرد که استخدام ۴۰۰ هزار نفر از آن‌ها، «بدون نشر آگهی و برگزاری آزمون بوده است».

به گفته‌ی این مقام ارشد دولتی، هم‌چنین، دستگاه‌های اجرایی در حالی تا پایان سال ۱۳۹۱ تعداد ۵۴۸ هزار نفر نیروی قراردادی جذب کرده‌اند که «ظرفیت مجاز» آن‌ها برای جذب این نوع از نیروها، ۱۲۵ هزار نفر بوده است.

او در بخش دیگری از سخنان خود، متوسط جهانی سن بازنشستگی زنان را ۶/۶۰ سال و مردان را ۱/۶۳ سال برآورد کرد و افزود که از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ «متوسط سن بازنشستگی زنان در ایران ۹/۴۹ و برای مردان ۳/۵۲ سال بوده» و در این مدت، تعداد کل بازنشسته‌های کشوری نیز ۶۸ درصد رشد داشته است.

عسگری آزاد با انتقاد از افزایش بودجه جاری کشور گفت که سال ۱۳۸۴ تقریباً ۶۷ درصد بودجه کشور به هزینه‌های جاری اختصاص داشت اما این رقم در سال ۹۲ به ۸۰ درصد رسید که این شرایط «زنگ خطری» برای بودجه کشور محسوب می‌شود.

درصد بالای کارکنان بخش دولتی در ایران در حالی است که آمارهای رسمی متوسط کار مفید در دستگاه‌ها و ادارات دولتی ایران را بین ۲۰ دقیقه تا دو ساعت در روز برآورد می‌کنند.

علی لاریجانی، «رئیس مجلس شورای اسلامی»، آذرماه سال گذشته در جریان مراسم افتتاح «پل طبقاتی صدر» در تهران، کار مفید در دستگاه‌های دولتی ایران را حدود «۲۲ دقیقه» و در صنعت حدود «۲ ساعت و نیم» عنوان کرده و با بیان این‌که «در طول سال این میزان به ۸۰۰ ساعت کار مفید می‌رسد» گفته بود که ایران از این نظر در رده سه کشور آخر دنیا پس از عربستان و کویت قرار دارد.

«مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی» نیز اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱ در گزارشی اعلام کرده بود که در «خوشبینانه‌ترین حالت» ساعات کار مفید در ایران «در هر روز حداکثر ۲ ساعت» است و «میزان هفتگی آن به بیشتر از ۱۱ ساعت نمی‌رسد».



ایران ۵/۱ برابر کل کارکنان ژاپن مدیر دولتی دارد؛ حدود ۷ میلیون ایرانی حقوق‌بگیر دولت هستند

«جانشین معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس جمهوری اسلامی» می‌گوید که نزدیک به ۷ میلیون ایرانی حقوق‌شان را از دولت می‌گیرند.

به نوشته‌ی خبرگزاری «ایرنا»، محمود عسگری آزاد روز چهارشنبه (۲۸ خرداد ۱۳۹۱ - ژوئن) در سخنانی در «شورای اداری استان آذربایجان شرقی»، تعداد کل کارکنان دولت را در حال حاضر بیش از یک میلیون و ۹۸۰ هزار نفر اعلام کرد و گفت که علاوه بر این تعداد، ۶۰۰ هزار شاغل بخش‌های نظامی و انتظامی، یک میلیون و ۲۰۰ هزار بازنشسته کشوری، ۶۰۷ هزار بازنشسته لشکری، و نزدیک به دو میلیون و ۲۸۰ هزار بازنشسته‌ی تامین اجتماعی هم حقوق خود را از دولت دریافت می‌کنند.



«مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی» نیز اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱ در گزارشی اعلام کرده بود که در «خوشبینانه‌ترین حالت» ساعات کار مفید در ایران «در هر روز حداکثر ۲ ساعت» است و «میزان هفتگی آن به بیشتر از ۱۱ ساعت نمی‌رسد».





بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی

بنیاد مستضعفان بزرگ‌ترین نهاد فعال در ساختمان سازی ایران

وبسایت خبرآنلاین، نزدیک به علی لاریجانی، نوشت که این بنیاد تحت کنترل رهبر جمهوری اسلامی، «یکی از بزرگ‌ترین نهادهای فعال در ساختمان‌سازی کشور» محسوب می‌شود و از طریق سه شرکت «سرمایه‌گذاری پایا سامان پارس»، «شرکت عمران و مسکن ایران» و «شرکت مدیریت طرح آتیه‌سازان»، مشارکت و حضوری جدی در عرصه ساختمان‌سازی کشور دارد.

بر اساس اطلاعات موجود در وبسایت رسمی «بنیاد مستضعفان»، «شرکت پایا سامان پارس» (سهامی خاص) به عنوان «یکی از شرکت‌های مادر تخصصی بنیاد مستضعفان» در آبان‌ماه ۱۳۸۶ به ثبت رسید، در حال حاضر هدایت و راهبری ۵ شرکت عمرانی و یک شرکت مشاوره‌ای شامل شرکت‌های «جنرال مکانیک»، «ملی ساختمان»، «رامان»، «دی»، «لانیز» و «تالون» را برعهده دارد.




این بنیاد که تنها به شخص علی خامنه‌ای پاسخگو است، هم‌اکنون حدود ۱۵۰ بنگاه و شرکت وابسته به خود دارد



وظیفه یک میهن دوست راستین در همه حال این است که از کشورش در مقابل دولت حاکم بر آن دفاع کند.

توماس پین



توماس پین، روشنفکر، دانشور، انقلابی و ایده‌آل‌گرای انگلیسی‌الصل و از پدران بنیانگذار ایالات متحده امریکا بود.

دانشجویان و دانش‌آموختگان لیبرال ایران
Iranian Liberal Students and Graduates

«مدرسه لیبرالی»

«وظیفه یک میهن‌دوست راستین در همه حال این است که از کشورش در مقابل دولت حاکم بر آن دفاع کند.»- توماس پین

It is the duty of the patriot to protect his country from its government.»- Thomas Paine



خرید ۷۰ درصد فروش مستقیم خودروسازان توسط دلالان

دبیر "انجمن خودروسازان ایران" می‌گوید که در بهترین حالت، حداکثر ۳۰ درصد از مردم می‌توانند خودروهای مطلوب‌شان را مستقیماً از خودروسازان خریداری کنند.

احمد نعمت‌بخش روز یکشنبه (۱۱ خرداد-۱ ژوئن) با اشاره به افزایش چشم‌گیر دلالی‌گری در بازار خودرو، به خبرگزاری "ایسنا" گفت که هم‌اکنون به دلیل اختلاف بین قیمت کارخانه و بازار خودروها، «دلالان و واسطه‌ها و سرمایه‌های سرگردان به شدت در این حوزه فعال هستند».



آقای نعمت‌بخش در عین حال ابراز امیدواری کرد که در صورت "آزادسازی قیمت خودرو" و "تعیین آن در حاشیه بازار"، «بساط رانت‌خواری و دلالی جمع‌آوری» شود و «قیمت‌ها در بازار آزاد نیز کاهش یابد».



شرکت عمران و مسکن ایران" نیز به عنوان دیگر زیرمجموعه‌ی "بنیاد مستضعفان"، خود در بر گیرنده‌ی هشت شرکت دیگر است و به جز شرکت "بنیاد سازه" که فعالیت مشاوره‌ای انجام می‌دهد، «سایر شرکت‌های آن به سرمایه‌گذاری و پیمان‌کاری در بخش ساختمان مشغولند».

از دیگر شرکت‌های مهم این مجموعه که سهم قابل توجهی در تولید و فروش کل شرکت در طی سال‌های اخیر داشته‌اند می‌توان به شرکت‌های "عمران و مسکن شرق"، "کیان‌مهر"، "اسکان کویر یزد" و "خانه" اشاره کرد.

"شرکت مدیریت و طرح آتیه‌سازان" سومین شرکت ساختمانی بزرگ وابسته به "بنیاد مستضعفان" است که در سال ۱۳۷۶ ابتدا با هدف «فعالیت سرمایه‌گذاری و مشارکت در طرح‌های ساختمانی» به ثبت رسید اما در مجمع فوق‌العاده این شرکت در بهمن ماه سال ۱۳۸۶ ساختار آن به «هلدینگ» تبدیل شد و موضوع فعالیت آن نیز به «مدیریت راهبردی در امور سرمایه‌گذاری ساختمانی» و «برنامه‌ریزی جهت تامین مالی پروژه‌های شرکت‌های زیرمجموعه» تعمیم یافت.

این شرکت در حال حاضر با تحت پوشش قراردادن شش شرکت "آتی‌ساز"، "مهستان"، "ونک‌پارک"، "سامان ایران"، "خانه ایرانیان" و "عمران و توسعه شهرک قدس" به فعالیت گسترده‌ی ساختمان‌سازی می‌پردازد.

"خبرآنلاین" از "شهرک غرب" و "وردآورد اتوبان تهران-کرج" به عنوان اصلی‌ترین سایت‌های ساخت و ساز "بنیاد مستضعفان" طی سال‌های گذشته نام برده خاطر نشان کرده که پروژه بزرگ "آتی‌ساز وردآورد" در کرج طی ۱۰ سال گذشته متوقف شده است و «خریداران واحدهای مسکونی این پروژه با آورده ۵۰ میلیون تومانی هم‌چنان سرگردان باقی مانده‌اند».

"بنیاد مستضعفان" در اسفند ۱۳۵۷ به فرمان آیت‌الله خمینی، رهبر پیشین جمهوری اسلامی و با هدف کمک به فقرا و نیازمندان به ویژه از طریق اموال مصادره شده خانواده و وابستگان به حکومت سابق ایران تأسیس شد. در آذرماه ۱۳۶۷، نام آن به "بنیاد مستضعفان و جانبازان" تغییر یافت. و در خردادماه ۱۳۸۳، با دستور علی خامنه‌ای، رهبر کنونی جمهوری اسلامی، نام آن یک بار دیگر به "بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی" تغییر پیدا کرد.

این بنیاد که تنها به شخص علی خامنه‌ای پاسخگو است، هم‌اکنون حدود ۱۵۰ بنگاه و شرکت وابسته به خود دارد و هیچ آمار رسمی نیز از کل دارایی‌های آن منتشر نشده است. با این وجود، ارزش سهام هلدینگ‌ها و شرکت‌های تحت مالکیت آن در بورس تهران، بالغ بر ۱۲۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود.

گفتنی است در روزهای اخیر گزارش‌هایی در خصوص تغییر محمد فروزنده، که از تیرماه ۱۳۷۸ ریاست بنیاد را بر عهده دارد. سومین دوره‌ی پنج ساله‌ی ریاست او بر بنیاد، تیرماه امسال به پایان می‌رسد.



ستاد اجرایی برای «حفاظت از بیت المال» مالک ۲۷ هزار هکتار از زمین‌های ورجین شد

«ستاد اجرایی فرمان امام» نهاد اقتصادی ثروتمند تحت کنترل رهبر جمهوری اسلامی می‌گوید که تنها به منظور «حفظ بیت‌المال» و جلوگیری از تصرف سایر اشخاص اقدام به نصب تابلو در منطقه حفاظت شده‌ی «ورجین» کرده است. بر روی این تابلوها نوشته شده: «این ملک متعلق به ستاد اجرایی فرمان امام است و هرگونه دخل و تصرف در آن پیگرد قانونی دارد».

به نوشته‌ی وبسایت «مسیرآنلاین»، روابط عمومی «ستاد اجرایی فرمان امام» در واکنش به انتشار گزارشی در این وبسایت مبنی بر «کوه‌خواری» زمین‌های منطقه «ورجین» لواسانات تأکید کرده که این ستاد در مهرماه ۱۳۹۲ «در راستای وظیفه قانونی خود و طبق حکم سرپرستی دادگاه تنها به منظور جلوگیری از تصرف اشخاص حقیقی و حقوقی و حفظ اراضی بیت‌المال» نسبت به نصب «تابلو سرپرستی» در این منطقه اقدام کرده و «مخالف هرگونه تغییر کاربری و ساخت و ساز در این اراضی» است.

او با بیان این‌که «خودروسازان هیچ راه‌کاری برای تشخیص و شناسایی مصرف‌کنندگان واقعی از دلالات بازار خودرو ندارند»، افزود که با آغاز فروش فوری و مستقیم خودروسازان، این تنها دلالت هستند که به دلیل «سال‌ها فعالیت» و «تبحر» خود «موفق به خرید محصولات عرضه‌شده می‌شوند».

آقای نعمت‌بخش در عین حال ابراز امیدواری کرد که در صورت «آزادسازی قیمت خودرو» و «تعیین آن در حاشیه بازار»، «بساط رانت‌خواری و دلالتی جمع‌آوری» شود و «قیمت‌ها در بازار آزاد نیز کاهش یابد».

گفتنی است فروردین ماه گذشته، محمد بیاتیان، عضو «کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی»، از «انحصار دولتی» به عنوان عامل اصلی «ایجاد سیستم دلالتی» در صنعت خودرو یاد کرد و افزود: «دولت باید مباحث خودروسازی را به بخش خصوصی واگذار کند... الان فضا نه تنها رقابتی نیست، بلکه انحصاری است.»

علی علی‌لو، دیگر عضو این کمیسیون و رییس هیأت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از صنعت خودروسازی نیز در آخرین روزهای سال گذشته در یک نشست خبری با بیان این‌که «بسیاری از محصولات خودروسازها در اختیار یک شبکه دلالتی و سفته‌بازی قرار می‌گیرد»، خاطرنشان کرد که این شبکه‌ی دلالتی باعث تحمیل هزینه‌ی اضافی ۴ تا ۱۰ میلیون تومانی به مصرف‌کنندگان می‌شود.

آقای علی‌لو، پیش‌تر هم، در خردادماه ۹۲، با تأکید بر این‌که «شبکه دلالتی خارج از خودروسازان نیست»، گفته بود: «چطور می‌شود در نمایندگی‌های فروش خودروسازان، خودرو برای تحویل به مشتری وجود ندارد اما به واسطه دلالتی در نمایشگاه‌های ماشین با انبوهی از خودرو از شرکت‌های خودروسازی مختلف مواجه می‌شویم؟»



«پدیده «زمین‌خواری» در کشور به ویژه در زمین‌های دولتی و منابع طبیعی به اوج خود رسیده»،





رانت خواران ایران عبدالرضا احمدی

در راستای شفافیت برای ایران به اخبار مربوط به رانت می‌پردازیم. در گزارشی که در ادامه خواهید خواند رانت در وزارت علوم و تحقیقات، رانت دولت از "ذخیره توسعه ملی" تا کلاهبرداری میلیاردی از شهروندان کرمان مورد بررسی قرار گرفته است.



نظام اقتصادی ایران به دلایل مختلف، ماهانه شاهد رقم‌های متفاوت رانت و اختلاس است.



این ستاد افزوده که عملیات خاک‌برداری و جاده‌کشی در این منطقه «مربوط به قبل از حکم سرپرستی ستاد بوده» و توسط «جاعلان» و «فرصت‌طلبان» صورت پذیرفته است.

پیش از این، «مسیرآنلاین» با انتشار گزارشی با بیان این‌که «پدیده «زمین‌خواری» در کشور به ویژه در زمین‌های دولتی و منابع طبیعی به اوج خود رسیده»، از آغاز پدیده جدیدی به نام «کوه‌خواری» خبر داده و نوشته بود که این پدیده «به ویژه در خارج از محدوده‌های شهری و کوه‌هایی که جزو مناطق حفاظت‌شده محسوب می‌شوند، ابعاد ناگوارتری به خود گرفته است».

این گزارش تصریح کرده بود که در تازه‌ترین مورد «کوه‌خواری»، منطقه حفاظت‌شده «ورجین» در شمال شرقی شهر تهران به مساحت ۲۷ هزار هکتار که پیش‌تر تحت پوشش «اداره کل منابع طبیعی» بوده و قسمتی از آن، هم‌مرز با لواسانات است، مورد «دست‌اندازی» قرار گرفته و «عملیات خاک‌برداری و جاده‌کشی و تابلوگذاری نیز در مرز این منطقه حفاظت‌شده از چندی پیش آغاز شده است».

در این گزارش تصاویری از «کشیده شدن خیابان در ورجین»، «ساخت و ساز بی‌رویه در لواسان کنار دریاچه سد لتیان» و همچنین «تفکیک‌های غیرقانونی خارج از محدوده» در این منطقه نیز منتشر شده که در این تصاویر، تابلوهایی با نوشته‌هایی چون ملک «تحت سرپرستی اصل ۴۹ قانون اساسی» و «متعلق به ستاد اجرایی فرمان امام» است، به چشم می‌خورد.

بر اساس اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی، «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او، به بیت‌المال بدهد و این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود».

وبسایت «مسیرآنلاین» که طی ماه‌های اخیر گزارش‌های متعددی درباره زمین‌خواری و رانت به ویژه در حوزه ساخت و ساز منتشر کرده، اواخر اردیبهشت ماه نیز با انتشار گزارشی از «ساخت و سازهای بی‌رویه» در گردنه حیران در حد فاصل آستارا و استان اردبیل و «تغییر کاربری زمین‌های این منطقه توسط غارت‌گران ویلاسان» خبر داد و با انتقاد از «بی‌تفاوتی سازمان‌ها و دستگاه‌ها برای مقابله با تخریب منابع طبیعی» نوشت که «هیچ دستگاه نظارتی نیز از فعالیت این افراد جلوگیری نمی‌کند».

این در حالی است که بر اساس اظهارات مردادماه گذشته‌ی ولی‌الله داوریان، مشاور حقوقی استان‌دار تهران، تشکیل پرونده‌های زمین‌خواری در این استان، نسبت به سال‌های گذشته ۲۵ درصد رشد داشته است.

اولین خبر رانتهی هفته گذشته مربوط به اعطای بورسیه غیر قانونی در دولت نهم و دهم است. این تخلفات که به گفته مجتبی صدیقی، رییس سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، در دولت احمدی‌نژاد و «خارج از روال» ارائه شده، «فصلی جدید از دامنه تخلفات دانشگاهی» است.

روزنامه شرق در شماره روز ۵ خردادماه خود، ضمن اعلام این خبر، به نقل از رییس «سازمان امور دانشجویان» و معاون وزیر علوم نوشت: «احساس کردیم اگر بحث نکنیم بدهکار نیز می‌شویم. بنابراین مسائل در حد واقعیات و تا حد امکان گفته شد؛ اما موارد خاص را معذوریم که اعلام کنیم.»

بنا بر این گزارش در زمان وزارت محمدمهدی زاهدی و کامران دانشجو در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ «۷۳ دانشجو با معدل کارشناسی زیر ۱۴ و ۷۰ دانشجو با معدل کارشناسی ارشد زیر ۱۶ به دانشگاه‌های خارج از کشور اعزام شده‌اند. ۲۲۸ دانشجوی بورسیه خارج به داخل کشور با معدل کارشناسی زیر ۱۴ و ۳۰۵ دانشجوی بورسیه خارج به داخل با معدل کارشناسی ارشد زیر ۱۶، جذب دانشگاه‌های داخل کشور شده‌اند. همچنین ۲۳۵ دانشجوی بورسیه خارج از کشور به داخل کشور دارای معدل نامعلوم بوده‌اند و ۳۲۵ نفر دیگر نیز فاقد شرایط سنی برای بورس بودند و به عبارت دیگر، سن آن‌ها بالای ۳۳ سال بوده است. همچنین ۳۰۰۲ دانشجو بدون شرکت در آزمون ورودی بورسیه دوره دکترا شده‌اند.»

دی ماه سال گذشته بود که کمال‌الدین پیرموزن، عضو مجلس شورای اسلامی در ایران، به خبرگزاری «ایلنا» در خصوص مخالفت با وزیر جدید «علوم و تحقیقات» گفته بود: «غالب نمایندگان، خود، آشنایان یا خویشاوندان‌شان از عنایت وزرای علوم و تحقیقات در دولت قبلی نهایت بهره را برده‌اند که بخشی از چالش‌های نمایندگان با وزارت علوم هم به همین موضوع بر می‌گردد. برخی از نمایندگان بدون داشتن شرایط لازم در دانشگاه علامه طباطبایی، مربی و دانش‌یار شده بودند و خویشاوندان برخی از آن‌ها نیز منصب استادیاری را اخذ کرده‌اند. از برخی نمایندگان اطلاعات موثق دارم که خانواده‌های‌شان، دوستان‌شان و آشنایان‌شان از بورسیه خارج وزارت علوم در دولت نهم و دهم برخوردار شده‌اند.»

اما با رسمی شدن خبر اعطای بورس‌های غیر قانونی، واکنش مسوولان به این خبر جدی‌تر شد به طوری که جواد هروی، رییس کمیته آموزش عالی مجلس شورای اسلامی، روز شنبه، ۱۰ خرداد، خواستار ورود قوه قضاییه به این موضوع شد.

وی به خبرگزاری خانه ملت، وابسته به مجلس شورای اسلامی، گفت: «با توجه به اینکه هر بورسیه یک میلیارد هزینه برای کشور در بردارد پس نمی‌توان به سادگی از کنار تخلف دولت قبل در بورسیه ۳ هزار دانشجو و استفاده از بیت‌المال گذشت. هیچ شکی در آمارهای ارائه شده از سوی وزارت علوم مبنی بر تخلف دولت گذشته نیست، برای شفاف‌سازی اذهان عمومی، قوه قضاییه باید هر چه سریع‌تر برای بررسی این موضوع ورود کند.»

در همین روز، جهانگیری، معاون اول حسن روحانی نیز در مراسم تجلیل از دانشجویان نمونه کشوری، با «تبعیض» خواندن این بورس‌ها عنوان کرد: «این سوءاستفاده از قدرت است و مخالفت با استعدادهایی است که زحمت می‌کشند تا به این فرصت‌ها برسند.»

این اتفاقات در حالی رخ داد که یک هفته قبل از اعلام این خبر، محمدمهدی زاهدی، وزیر سابق علوم و تحقیقات و رییس فعلی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی روز ۵ خردادماه در خصوص «تمدید حکم بورسیه دانشجویان» ضمن اشاره به «برگزاری جلسه‌ای با حضور فرجی‌دانا وزیر علوم، تحقیقات و فناوری» به «خانه ملت» گفته بود: «در این جلسه درباره دانشجویان بورسیه وزارت علوم تبادل نظر به عمل آمد و مقرر شد به دانشجویان بورسیه‌ای که قبلاً جایابی شده‌اند بدون نیاز به استعلام جدید از دانشگاه‌ها حکم بورسیه آن‌ها صادر یا تمدید شود.»

آقای زاهدی، عضو هیات علمی گروه ریاضی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سفیر سابق جمهوری اسلامی در مالزی، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس، نماینده کرمان و رییس فعلی کمیسیون آموزش و تحقیقات در مجلس شورای اسلامی است.

ازجمله اقدامات بحث برانگیز زاهدی در هنگام وزارتش، صدور مجوز تاسیس دانشگاه غیر انتفاعی برای خود و همسرش است. همچنین به گزارش فرارو به نقل از یکی از استادان دانشگاه علامه طباطبایی، «ح.میم» خواهرزاده زاهدی در سال ۱۳۸۴ با ادعای نیمه‌تمام ماندن تحصیلش در دانشگاه هندوستان و با حمایت شریعتی، ریاست دانشگاه طباطبایی، بدون شرکت در آزمون ورودی در دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق بشر مشغول به تحصیل شده است.»

ادعایی که طبق استعلام به عمل آمده از دانشگاه هند توسط سرکنسولگری جمهوری اسلامی در حیدرآباد رد شد. هر چند که با آشکار شدن این موضع، شریعتی، رییس دانشگاه طباطبایی «ح.میم» یا همان حجت‌الله منصوری را به عنوان مدیر کل امور اداری این دانشگاه منصوب کرد.

کامران دانشجو دیگر وزیر علوم و تحقیقات و فناوری در زمان احمدی‌نژاد، رییس ستاد انتخابات کشور در سال ۸۸ و استاندار تهران از شهریور سال ۱۳۸۴ تا آبان سال ۱۳۸۷ بود که در جریان پرونده اختلاس بیمه، معروف به پرونده «خیابان فاطمی» متهم به دریافت ۲۰۰ میلیون تومان رشوه شد.

حسین سرورالدین رییس سابق سازمان سنجش نیز در خلال اعتراضات داوطلبان آزمون دکتری تخصصی به نتایج این آزمون در خرداد ۱۳۹۱ به خبرگزاری مهر از نقش مستقیم کامران دانشجو به عنوان مسوول این اتفاق خبر داده بود.

همچنین سال گذشته خبرگزاری ایرنا و وبسایت فرارو از بورسیه «غیرقانونی و بدون مصاحبه» سارا دانشجو، دختر کامران دانشجو خبر داده بودند.

برداشت بدون مجوز دولت از منابع صندوق توسعه ملی

هفته گذشته، دادستان «دیوان محاسبات» خبر برداشت ۴/۱ میلیارد دلاری دولت از «صندوق توسعه ملی» را تایید کرد.

این صندوق که با هدف تبدیل بخشی از درآمد ناشی از فروش «نفت، گاز، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی» در زمان دولت خاتمی فعالیت خود را آغاز کرد که به گفته ناصر سراج، رییس سازمان بازرسی کل کشور، موجودی آن ۵۴/۵ میلیارد است.

بر اساس قانون، برداشت دولت از این صندوق تنها با مجوز مجلس شورای اسلامی و یا بر مبنای مصوبه «ستاد تدابیر ویژه اقتصادی» مجاز است. اما روز ۲۷ فروردین ۱۳۹۳ بود که مسعود میرکاظمی، رییس فعلی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی و وزیر بازرگانی و نفت در دوران احمدی‌نژاد، از برداشت «بی‌سابقه و بدون مجوز» ۴/۱ میلیارد دلاری از منابع این صندوق خبر داد و گفت: «۲/۶ میلیارد دلار از این رقم معادل ۶ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان توسط بانک مرکزی مستقیماً خلق پول شده و معادل ریالی آن به حساب خزانه ریخته شده است که باعث افزایش پایه پولی خواهد شد. تورم این اقدام، گریبان‌گیر مردم می‌شود و مصداق بارز بی‌انضباطی مالی است. بخشی از این مبلغ نیز به عنوان سهم نفت و امثال آن پرداخت شده است. این در حالی است که معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی سال گذشته را سال انضباط مالی اعلام کرده بود.»

انتشار این خبر در حالی بود که اسحاق جهانگیری روز ۲۸ اردیبهشت ماه اعلام کرد: «دولت و ستاد تدابیر ویژه اقتصادی هیچ مصوبه‌ای در خصوص برداشت از منابع صندوق توسعه ملی نداشته اصرار دارد که به هیچ وجه از منابع صندوق در بودجه کشور استفاده نشود.»

هم‌چنین محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت با رد این خبر در گفتگوی خود با خبرنگاران در روز ۱۱ اردیبهشت‌ماه اظهار داشت: «اینکه دولت از صندوق توسعه ملی پول برداشته حرف بی‌اساسی است و قویاً تکذیب می‌کنم.»

علیرضا طیب‌نیا، وزیر اقتصاد نیز گفت: «سال ۹۲ جزو معدود سال‌هایی بود که دولت هیچ برداشتی از منابع صندوق توسعه ملی نداشت و تکالیف قانونی خود را در خصوص وجوه نفت به صندوق توسعه به صورت کامل انجام داد.»

از سوی دیگر قاسم حسینی، معاون «صندوق توسعه ملی»، روز ۱۲ اردیبهشت در گفتگو با خبرگزاری ترند جمهوری آذربایجان گفت: «در این دولت ما برداشتی از صندوق نداشتیم، چرا که برداشت از صندوق توسعه ملی فقط با مجوز مجلس امکان‌پذیر است و مجلس هم مصوبه‌ای در این رابطه نداشته‌است.»

اما فیاض شجاعی، دادستان دیوان محاسبات، چهارشنبه ۷ خرداد اعلام کرد اصل برداشت دولت از صندوق توسعه ملی صحت دارد اما این کار را دولت با «روش و ترفندی خاص» انجام داده است.

آقای شجاعی افزود: «حساب‌رسان ما که بر صندوق توسعه نظارت می‌کنند متوجه برداشت ۴/۱ میلیارد دلاری دولت از این صندوق شده‌اند. در حال بررسی این موضوع هستیم که آیا این برداشت با مصوبه ستاد تدابیر ویژه اقتصادی صورت گرفته و این نوع برداشت جزو مصادیق مصوبه ستاد محسوب می‌شود یا خیر. دیوان محاسبات در این خصوص به مجلس شورای اسلامی گزارش داده است و در حال بررسی تخلف بودن یا نبودن این اقدام است.»

ما دولت روحانی اولین دولتی نیست که برداشت غیر قانونی از این صندوق انجام داده است. در زمان محمود احمدی‌نژاد و به دنبال انتصاب محمدرضا فرزین، به مدیر عاملی «صندوق توسعه ملی» ، موسی‌الرضا ثروتی، نماینده بجنورد در مجلس نهم شورای اسلامی، خبر از برداشت غیر قانونی «پنج میلیارد دلاری» دولت از این صندوق داد.

فساد و رانت در دانشگاه آزاد اسلامی

از دیگر خبرسازان رانتی در هفته‌ی گذشته، دانشگاه آزاد اسلامی بود. علی‌رضا زاکانی رییس هیأت تحقیق و تفحص مجلس هفتم شورای اسلامی از دانشگاه آزاد اسلامی، در نشست خبری ضمن ارائه توضیحاتی تازه در خصوص آن گزارش گفت: «پس از تحقیق و تفحص مشخص شد اولاً سال ۸۲ در آزمون دستیاری تقلب صورت گرفته و سوالات به فروش رفته است؛ ما از ۲۱ استانی که آزمون دستیاری در آن برگزار شده بود به بررسی ۷ استان پرداختیم و در این بررسی‌ها ۶۱ نفر اقرار کردند که در خرید و فروش سوال دخیل بوده‌اند.»

زاکانی هم‌چنین با «اسفناک» خواندن شرایط دانشگاه آزاد گفت: «از سال ۷۷ تا ۸۲ سوالات آزمون دستیاری به فروش رسیده بود و هر سوالی را نیز تا ۳۰ میلیون تومان می‌فروختند.»

وی با اشاره به کمک‌های دانشجویی در این دانشگاه گفت: «اداره‌کنندگان دانشگاه آزاد هر کجا که امکان داشت، از اموال عمومی استفاده شخصی می‌کردند اما به حساب نمی‌آوردند. برای مثال میلیون‌ها متر مربع زمین که این‌ها دریافت کردند و هیچ پاسخ‌گویی در این خصوص نداشتند، هم‌چنین امکاناتی که از دولت برای دانشجویان می‌گرفتند که هیچ‌گاه برای دانشجویان خرج نشد، برای مثال در سال ۸۴، ۳۵ میلیارد تومان و در سال ۸۵، ۶۰ میلیارد تومان تصویب شد که پول به دانشگاه آزاد بدهیم که بعد متوجه شدیم این مبالغ را به دانشجویان منتقل نکردند.»

وی با اشاره به عدم همکاری دانشگاه آزاد در جریان تحقیق و تفحص مجلس از این دانشگاه در زمان جاسبی رییس اسبق آن گفت: «در این ملاقات کم و کیف ورود ما به دانشگاه آزاد جمع‌بندی و کار تحقیق و تفحص آغاز شد اما در حین کار متوجه شدیم این‌ها نمی‌خواهند کار پیش برود و اسناد گزینشی را به ما ارائه می‌دهند. در ادامه آنان حتی نمی‌گذاشتند به دانشگاه‌ها برویم و می‌گفتند باید از ما درخواست کنید تا ما به شما اطلاعات دهیم.»

وی در خصوص «ورود دانشگاه آزاد در انتخابات» نیز گفت: «دانشگاه آزاد روشی را که در انتخابات دنبال می‌کند سطحی است و همیشه نیز خلاف آن را نتیجه می‌گیرد. اسناد موجود نشان می‌دهد که با پول دانشگاه آزاد برای کاندیداها ستاد می‌زدند. هم‌چنین در خردادماه‌ها به نام امام هزینه و اسناد تولید می‌کردند که آن هزینه‌ها برای استفاده انتخاباتی بود. در حقیقت دانشگاه آزاد به عنوان حزب سیاسی در انتخابات شرکت می‌کرد.»

کلاهبردار یک میلیارد تومانی در بردسیر

از دیگر خبرهای رانتهی هفته، خبر کلاهبرداری یک میلیاردی در یکی از شهرستان‌های استان کرمان بود. دادستان بردسیر ضمن اعلام خبر بازداشت این فرد گفت: «اعتماد به شخص بدون مجوز ثبت‌نام برای عتبات عالیات در بردسیر تا کنون بیش از یک هزار و ۲۰۰ مال‌باخته و یک میلیارد تومان کلاهبرداری به دنبال داشته است.»

مهدی احمدی در گفت‌وگو با خبرنگاری فارس در خصوص چگونگی این کلاهبرداری گفت: «شکایات متعدد به دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان بردسیر واصل شد مبنی بر این‌که فردی با مبلغ اندکی اقدام به ثبت‌نام برای تشریف به عتبات عالیات کرده است و اظهار داشته که این اعزام به پشتیبانی فردی خیر صورت می‌گیرد.»

به گفته احمدی، این فرد که «بدون مجوز قانونی» اقدام به ثبت‌نام از مردم می‌کرده، بعد از «شناسایی، بازداشت» شده است. وی آمار مال‌باختگان را «تاکنون یک هزار و ۲۰۰ نفر» اعلام کرد و گفت که این افراد از شهرستان بردسیر و اکثر شهرستان‌های کرمان بوده‌اند.

او اضافه کرد که «ارزش اموالی که از مردم اخذ شده، بالغ بر یک میلیارد تومان» است.

معوقه بانکی ۱۰۰۰ میلیاردی رانت‌خوار ۶۵۰ میلیون یورویی

آخرین خبر رانتهی هفته، به اعلام لیست ۱۱۲ بدهکار بانکی توسط سازمان خصوصی‌سازی و ارتباط آن با رانت ۶۵۰ میلیون یورویی اختصاص داشت. رانتهی که به گفته احمد توکلی، توسط وزیر صنعت و معادن به یک شرکت بازرگانی اهدا شده است و در شماره نخست این سری گزارش‌ها به صورت کامل به آن پرداختیم.

اردیبهشت ماه سال جاری بود که سازمان خصوصی‌سازی با اعلام و ارسال فهرست ۱۱۲ شخص حقیقی و حقوقی بدهکار به بانک مرکزی خبر از ممنوعیت استفاده از خدمات از سوی این افراد در سیستم بانکی داد.

در میان این اسامی، نام ستاره منصوبی یکی از اعضای هیأت مدیره «شرکت سپید استوار آسیا»، یکی از شرکت‌های بهره‌مند از رانت ۶۵۰ میلیون یورویی در دولت روحانی هم به چشم می‌خورد.

هفته‌ی گذشته نیز، محسنی اژه‌ای، سخنگوی قوه قضاییه، در نشست علنی روز ۳۱ اردیبهشت مجلس شورای اسلامی گفته بود «فردی که رانت ۶۵۰ میلیون یورویی دریافت کرده است از بدهکاران بانکی است که بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان بدهی بانکی دارد.»

این در حالی است که از جواد مدلل به عنوان فرد اصلی درگیر در رانت ۶۵۰ میلیون یورویی نام برده شده که بدین ترتیب تعداد افراد مرتبط با رانت اخیر که معوقات کلان بانکی نیز دارند، به عدد ۲ می‌رسد.

در دوران دولت دهم بود که طرح تولید بنزین برای خودکفایی از واردات این فرآورده نفتی مطرح شد. مسعود میرکاظمی، وزیر وقت نفت، روز ۲۶ آبان ۱۳۸۸ در نشست خبری خود ضمن اشاره به «طرح ضربتی افزایش تولید بنزین»، تولید بیش «از یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون لیتر بنزین» و «تولید بنزین با عدد اکتان بالا در واحدهای پتروشیمی» را از ویژگی‌های اجرای این طرح اعلام کرده بود.

حسن بیگی، مدیرعامل پتروشیمی «جم» هم در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» در همین خصوص گفته بود: «پیش از این محصولی به نام "بنزین پیرو لیز" در این مجتمع جهت صادرات تولید می‌شد که یکی از محصولات فرعی مجتمع بود. ترکیبات این محصول در خارج از کشور تفکیک و مواد آروماتیک آن مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما با مطرح شدن بحث خودکفایی ایران در زمینه تولید بنزین، خط تولید این محصول با انجام یک سری کارهای فرآیندی به بنزین تغییر یافت.»

اما پس از ورود این بنزین به چرخه‌ی مصرف، طولی نکشید که گزارش‌هایی از عدم کیفیت و آلوده‌کننده بودن آن منتشر شد. در یکی از اظهارنظرها در این خصوص، غلام‌علی میگی‌نژاد، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی و نماینده بوشهر در این مجلس، به خبر آنلاین گفت: «در اولین گزارش کارشناسی دیوان محاسبات، آلوده بودن بنزین‌های تولیدی در پالایشگاه‌ها به صورت تلویحی رد شده است، اما کمیسیون اصرار دارد که این موضوع دوباره مورد بررسی قرار گیرد که اگر این بنزین آثار سوء دارد تولید آن متوقف شود.»

سه ماه بعد از تولید بنزین، عبدالحسین بیات، معاون وزیر نفت، در پاسخ به منتقدان تولید بنزین داخلی از «حذف بنزن از چرخه تولید بنزین» برای کاهش آلودگی هوا خبر داد.

اما اختلاف نظر بر سر استاندارد بودن و نبود بنزین همچنان ادامه یافت تا این‌که معصومه ابتکار، رییس وقت کمیته محیط زیست شورای شهر تهران، در خصوص بنزین داخلی گفت: «آلاینده‌های آلی در هوای تهران مانند بنزن، تولوین و دیزایلین از بخارات بنزین تولیدی حاصل می‌شود.»

نظام‌الدین برزگری، رییس سازمان استاندارد، هم ضمن تأیید این موضوع در ۲۳ آذر ۱۳۸۹ گفت: «بنزین‌هایی که در حال حاضر در داخل کشور عرضه می‌شود با آن استاندارد که ما تدوین کرده‌ایم بسیار فاصله دارد. بنزینی که هم‌اکنون مورد استفاده قرار می‌گیرد دارای استاندارد یورو ۲ با اکتان ۸۷ است اما بنزین یورو ۴ اکتانی برابر ۹۵ را دارد. این سازمان سال گذشته استاندارد یورو ۴ را برای بنزین تدوین کرد اما چون وزارت نفت آمادگی تهیه و توزیع چنین بنزینی را نداشت با وزارت صنایع و معادن توافق کرد تا از ابتدای سال ۱۳۹۱ این بنزین را برای بازار داخلی تا مین کند. کارشناسان سازمان استاندارد از این نوع بنزین نمونه‌برداری کرده‌اند و نتیجه آزمایش‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد این بنزین‌ها مطابق استاندارد یورو ۲ به تولید می‌رسد.»

اما میرکاظمی، وزیر نفت دولت دهم، در پاسخ به منتقدان، اعتراضات را از طرف «رسانه‌های بیگانه» عنوان کرد و گفت: «با تولید بنزین در مجتمع‌های پتروشیمی کشور و کاهش قیمت این فرآورده در منطقه خلیج فارس به دلیل خرید نکردن ایران، رسانه‌های بیگانه با اظهار بی‌اطلاعی از فعالیت‌های انجام شده برای تولید بنزین در مجتمع‌های پتروشیمی در ایران اعلام کردند به دلیل کیفیت پایین بنزین تولیدشده در این مجتمع‌ها و عرضه آن، آلودگی هوا در ایران افزایش یافته است. میزان بنزینی که در پتروشیمی‌ها تولید می‌شود با اکتان بسیار بالا و بین ۹۸ تا ۱۰۰ و بسیار مطلوب‌تر از بنزین خارجی وارداتی است.»

خبرساز دیگر حوزه فساد مالی، محمودرضا خاوری، مدیرعامل پیشین بانک ملی و یکی از عاملان اصلی فساد مالی سه هزار میلیاردی بود.

مسعود رضوانی، رییس اینترپل ایران، ضمن خبر از پیگیری برای استرداد محمودرضا خاوری گفت: «در پی مذاکره با رییس اینترپل کانادا در اتاوا در خصوص استرداد خاوری، آن‌ها قول همکاری داده‌اند.»

رضوانی که در حاشیه جشنواره‌ای در روز ۱۸ اردیبهشت‌ماه سخن می‌گفت، افزود: «مدارک استرداد آقای خاوری و پیگیری‌ها برای دستگیری‌اش آماده است و مشغول پیگیری این موضوع هستیم تا نتایج مورد نظرمان حاصل شود.»

محسنی اژه‌ای نیز روز شنبه ۲۰ اردیبهشت در اظهارنظری در خصوص آقای خاوری و سایر متهمان به روش‌های مختلف در خارج کشور گفت که «اگر برگردند حتماً به نفع‌شان خواهد بود.»

رییس اینترپل ایران در عین حال گفته یکی از متهمان «پرونده سه هزارمیلیاردی» که «در امارات بازداشت شده اما به قید وثیقه آزاد بود مجدداً دستگیر و روز چهارشنبه به ایران بازگردانده شد.»

این فرد که در شماره‌ی روز ۱۸ اردیبهشت‌ماه روزنامه اعتماد، چاپ تهران، "ح - س" معرفی شده، «۴۵ سال دارد، متولد بابل است و به جرم خیانت در امانت، اختلاس و رشوه تحت تعقیب بوده است.»

المانیتور نیز در گزارشی با توجه به عدم بازگرداندن خاوری از سوی کانادا نوشت: «دستگیری خاوری می‌تواند موجب تقویت موضع روحانی در داخل ایران شود. محمودرضا خاوری، از متهمان پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی است که در مهر ماه سال ۱۳۹۰ به بریتانیا و سپس به کانادا رفت. رسیدگی به پرونده فساد بانکی سه هزار میلیاردی از مرداد ماه سال ۱۳۹۰ آغاز شد؛ از جمله چهار نفر در پی آن به اعدام و دو نفر به حبس ابد محکوم شده‌اند.»

بدهکاران کلان بانکی کیستند؟

از خبرهای دیگر مربوط به حوزه مالی، خبر اعلام میزان معوقات بانکی و اسامی این افراد بود.

هر چند که تنها مدت کمی از آغاز نهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۴، موضوع معوقات بانکی مورد توجه قرار گرفت، اما در آن دوران نه تنها در این خصوص پیگیری صورت نگرفت بلکه پرونده‌های مالی دیگری مانند ویژه‌خواری ۳۰۰۰ میلیاردی نیز به آن اضافه شد.

در این میان، روز ۱۵ اردیبهشت‌ماه، معاون اول روحانی با بیان اینکه هم‌اکنون مجموع مطالبات معوق بانک‌ها به ۸۲ هزار میلیارد تومان رسیده است، گفت: «۵۷۵ نفر به‌عنوان بدهکار کلان بانکی شناسایی شده‌اند و اسامی این افراد به قوه قضاییه ارسال شده است.»

«بنا بر این گزارش، ۹۸۸ نفر از این افراد، بدهی بالای ۱۰ میلیارد تومان و ۵۳۲ نفر دیگر آن‌ها بدهی بالای ۵۰، ۱۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ میلیاردی دارند. هرچند که تا کنون، هیچ نامی از این افراد در رسانه‌ها منتشر نشده است.»

صرامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی درباره‌ی عدم انتشار نام این افراد گفت: «بدهکاران دانه‌درشت به سیستم بانکی کشور به آسانی قابل شناسایی هستند، اما به دلیل این‌که اسامی در اختیار برخی قرار گرفته که خودشان نیز به بانک‌ها بدهکارند، در عمل به این موضوع رسیدگی جدی نمی‌شود.»

وی در خصوص چگونگی شکل‌گیری این رقم از معوقات و بدهی‌ها خاطرنشان کرد: «متأسفانه برخی از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی که در بدنه دولت‌ها بوده‌اند، توانسته‌اند بدون ارائه ضمانت و وثیقه به بانک‌ها، به نام شرکت‌های وابسته و شبه دولتی با لابی‌گری تسهیلات و وام‌های کلان دریافت کنند و همین باعث شده که وصول بدهی بانک‌ها مشکل شود.»

این در حالی است که "افضلی فرد"، سخنگوی کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، ضمن تاکید بر این‌که «بنا نداریم اسامی بدهکاران بانکی را اعلام کنیم» گفت: «روز یکشنبه جلسه‌ای با حضور بدهکاران دانه‌درشت بانکی و مدیران اعتباری بانک‌ها به منظور پی‌گیری مصوبات اسفند ماه کمیسیون برگزار شد، و مقرر شد ۲۵ بدهکار بزرگ بانکی تا پایان تیر ماه بدهی خود را تسویه کنند.»

مشاوره ۶۰۰ میلیون تومانی

از دیگر خبرهای مالی، خبری در خصوص دو حق مشاوره به مبلغ ۶۰۰ میلیون تومان در یک شرکت خودروسازی است.

محمدعلی اسفنانی، سخنگوی کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی ضمن ابراز نگرانی از وضعیت «اسفبار» خودرو در ایران گفت: «نه تنها کیفیت خودروهای داخلی نامناسب است، بلکه هیچ دستگاهی در قبال اشکالات خودروها پاسخگو نیست.»

وی با اشاره به حادثه‌ی آتش‌سوزی اتوبوس اسکانیا گفت: «صدها کامیون "هوو" و "دانگ فانگ" بی‌کیفیت چینی مردم را زیر چرخ‌های خودش له می‌کند، هزاران خودرو سواری بی‌کیفیت آتش می‌گیرد، واژگون می‌شود و یا به دلایل نقص فنی تصادف‌های بدی می‌کند، اما کسی جوابگو نیست.» اسفنانی با تاسف از این‌که قیمت خودروها سرسام‌آور شده افزود: «متأسفانه قیمت خودرویی که ۱۰ سال قبل تولید شده، از قیمت خودرو صفر کیلومتر در همان سال بالاتر شده است.»

وی با تاکید بر اینکه در کشور ما فقط به «منفعت خودروسازان» توجه شده است این عامل را باعث انحصار این بازار توسط «۳ یا ۴ شرکت» دانست و آن را به زیان «مصرف‌کننده» عنوان کرد.

سخنگوی کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی ضمن ابراز تاسف از خودروسازی ایران گفت: «امروزه رقم‌های وحشتناکی در خودروسازی‌ها رد و بدل می‌شود که هیچ دلیل منطقی برای آن وجود ندارد.»

وی اضافه کرد: «من دو ابلاغ یا حکم ریالی برای دو مشاور در این خودروسازی‌ها را دیدم که به غیر از فساد برداشت دیگری از آن نمی‌شود. تصور کنید که این دو نفر فقط در حد مشاوره بودند که یکی از آن‌ها ۲۷۰ میلیون تومان و دیگری ۳۳۰ میلیون تومان دریافتی دارد.»

ا خبر رانتی دیگر مربوط به یک رانت اجتماعی است.

هفته گذشته بود که وزارت ورزش اعضای جدید هیات مدیره باشگاه استقلال را معرفی کرد. بر طبق تصمیم این وزارتخانه، پندار توفیقی، منصور پورحیدری، بهرام افشارزاده، مقداد نجف‌نژاد، صادق‌پور، مسعود معینی، سیف افجه‌ای، صاحب پناهی و رضا نثاری به عنوان اعضای جدید این هیات مدیره معرفی شدند.

هرچند که امیررضا خادم، «معاون وزارت ورزش و جوانان» در دولت یازدهم که مامور ویژه‌ی وزیر در امور دو باشگاه استقلال و پرسپولیس است در نخستین جلسه هیأت مدیره باشگاه استقلال «مسیر انتخاب» اعضای جدید را «معقول» خواند، اما گزارش‌ها از رابطه سببی پندار توفیقی با امیررضا خادم حکایت دارد.

به نوشته‌ی وبسایت «خبرآنلاین»، همسر پندار توفیقی با همسر امیررضا خادم نسبت فامیلی دارد. توفیقی که مدیرعامل شرکت مهندسی مشاور پرتو آذرپاد (PACE) است، بدون تایید یا تکذیب این نسبت، به خبرآنلاین گفته: «من نمی‌دانم این بچه‌های خبرنگار دنبال چه چیزی می‌گردند. حرف من این است که اجازه بدهید که استقلال و پرسپولیس آرامش داشته باشند و به راه‌شان ادامه بدهند.»

اما جستجویی در آگهی‌های روزنامه رسمی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که رابطه توفیقی و خادم تنها یک رابطه فامیلی نیست، به طوری که این دو در سال ۱۳۸۸ به عنوان دو عضو هیات مدیره «شرکت مهندسی مشاور پرتو آذرپاد» با هم رابطه‌ی کاری نیز داشته‌اند.

احداث پروژه تجاری به جای ایستگاه مترو

خبر رانتی دیگر مربوط به واگذاری محل احداث یکی از ایستگاه‌های متروی تهران به «شرکت اطلس ایرانیان» بود. این شرکت متعلق به «بنیاد تعاون سپاه پاسداران» ضمن تغییر کاربری این زمین، در حال احداث پروژه تجاری بزرگ خود به نام «اطلس مال» است.

شرکت اطلس ایرانیان در اردیبهشت ۱۳۶۵ تاسیس و از سال ۱۳۸۴ فعالیت‌های خود را «با تمرکز بر سرمایه‌گذاری در حوزه ساختمان‌های مسکونی، اداری و تجاری» دنبال نموده است. اعضای هیأت مدیره این شرکت آیت‌الله ابراهیمی، فرهاد روزخوش، محمدعلی شایسته‌نیا، سید جواد محمودی و محمدرضا فهیمی هستند و عمده سهام این شرکت در حال حاضر متعلق به «بانک انصار» است.

به گزارش تقاطع، این بانک که وابسته به بنیاد تعاون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است با بیش از ۷۰۰ شعبه در سراسر کشور، ابتدا در قالب «صندوق پس‌انداز و قرض‌الحسنه انصارالمجاهدین» فعالیت خود را آغاز کرد و در خرداد سال ۱۳۸۹ با اخذ مجوز از بانک مرکزی تبدیل به یازدهمین بانک خصوصی ایران شد.

وزارت خزانه‌داری آمریکا در دسامبر سال ۲۰۱۰ (آذر ۱۳۸۹) «بانک انصار» را به اتهام ارائه خدمات بانکی به سپاه پاسداران در فهرست تحریم‌های خود قرار داد. اتحادیه اروپا نیز این بانک را در ماه می ۲۰۱۱ (خردادماه ۱۳۹۰) به ظن ارتباط با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی تحریم کرد.

«بنیاد تعاون سپاه» پس از «بانک انصار» در «صندوق مهر ایرانیان» که مدتی بعد به بانک «مهرایرانیان» تبدیل شد نیز سرمایه‌گذاری مستقیم انجام داده است.

پروژه اطلس مال با شش طبقه پارکینگ، ۱۹ طبقه واحدهای اداری و تجاری، زیربنای تجاری ۲۱ هزار و ۸۴۱ متر، ۳۰۰ واحد فروشگاه‌ی، زیربنای اداری ۲۴ هزار و ۴۵ متر، ظرفیت حداقل یک هزار و ۴۴۰ خودرو در پارکینگ اختصاصی و زیربنای کل ۱۳۶ هزار و ۹۶۶ متر بنا به گزارش خبرآنلاین بیش از یک هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان قیمت‌گذاری شده است.

اعدام متهم اصلی فساد بانکی ۳ هزار میلیارد تومانی

یکی دیگر از خبرهای مربوط به حوزه رانت، خبر اعدام مه‌آفرید امیرخسروی از متهمان رانت سه هزار میلیاردی بود.

پایگاه اطلاع‌رسانی دادسرای عمومی و انقلاب تهران اعلام کرد حکم اعدام مه‌آفرید امیرخسروی فرزند منصور، سحرگاه روز شنبه، سوم خردادماه ۱۳۹۳ در محل زندان اوین اجرا شده است.

بنا بر این گزارش مه‌آفرد به اتهام «افساد فی‌الارض از طریق شرکت در اخلال در نظام اقتصادی کشور با تبانی و فساد در شبکه بانکی و توسل به روش‌های متقلبانه و مجرمانه و اخذ میلیاردها تومان وجوه غیرقانونی و شرکت در پول‌شویی و پرداخت رشوه»، به اعدام محکوم شده بود. حکمی که در آن به استفتاء اخذ شده از نوری همدانی و مکارم شیرازی دو مرجع تقلید ساکن قم استناد شده بود؛ هرچند که این دو نفر از آن اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند.

همسر و وکیل امیرخسروی به خبرگزاری‌ها گفته‌اند که این حکم بدون اطلاع آن‌ها اجرا شده است. وبسایت تقاطع نیز به نقل از یک منبع نزدیک به خانواده امیرخسروی نوشته که او در روزهای اخیر برای انجام اعتراف تلویزیونی علیه شماری از مقامات حکومتی تحت فشار قرار داشته است. این منبع علت اجرای حکم را «اختلافات داخلی میان مقامات قوه قضاییه جمهوری اسلامی» عنوان کرد.

مه‌آفرید خسروی که فعالیت مالی خود را به همراه برادرانش از سال ۱۳۸۴ و با راه‌اندازی و اداره یک گاوداری آغاز کرد، توانست «شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا» را در ۲۸ خردادماه ۱۳۸۵ با سرمایه ۵۰ میلیون تومانی راه‌اندازی کند. این شرکت در سال ۸۹ توانست ۹۶/۹۴ درصد از سهام ماشین‌سازی لرستان، ۲/۹۵ درصد از سهام گروه صنعتی فولاد ایران، ۹۵ درصد از سهام مهندسی خط و ابنیه فنی راه‌آهن (تراورس) و ۵/۳۹ درصد از سهام فولاد اکسین خوزستان را خریداری نماید.

هر چند که این کشمش‌ها تا پایان دولت دهم بی‌نتیجه ماند اما با روی کار آمدن دولت روحانی موج جدیدی از اعتراض ایجاد شد. معصومه ابتکار که اینک به ریاست سازمان حفاظت محیط زیست انتخاب شده بود، در یکی از نخستین موضع‌گیری‌های خود در این خصوص به خبرگزاری ایرنا گفت: «عوامل مختلفی هم‌چون فعالیت‌های خانگی، صنعت و حمل و نقل عمومی موجب آلودگی هوای تهران می‌شوند، اما به جرات می‌توان گفت مقصر اصلی آلودگی، خودرو و سوخت است.» وی هم‌چنین تاکید کرد که «دولت گذشته به تعهدات و تکالیف خود برای ارتقای استانداردهای سوخت و خودرو عمل نکرده است.»

در همان زمان، پایگاه خبری خرداد نیز در گزارشی به سرطان‌زا بودن بنزین داخلی اشاره کرد و نوشت: «بنزین پیرو لیز یک محصول جانبی حاوی حدود ۵۰ درصد بنزن است و برای تولید محصولات پتروشیمی دیگر به کار می‌رود. این ماده به دلیل درصد بالای بنزن، خواص سرطان‌زایی مستقیم دارد و بر سیستم عصبی، پوست، چشم و سیستم تنفسی اثرات منفی فراوان دارد. در دوران تحریم، این ماده علاوه بر ریفورمیت معروف، با بنزین معمولی مخلوط شده است.»

این اظهارات با واکنش مدیران قبلی در دولت دهم مواجه شد. عبدالحسین بیات، مدیرعامل سابق شرکت ملی صنایع پتروشیمی در گفتگو با خبرگزاری ایسنا ضمن رد آلوده بودن بنزین‌های تولید پتروشیمی، مدعی شد که «کشورهای منطقه واردکننده بنزین تولیدی پتروشیمی ایران خواهان جدی این محصول هستند و تاکنون شکایتی از کیفیت بنزین تولیدی ما مطرح نشده است.»

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه هم راهکارهای خودکفایی در بنزین را در گزارشی مطرح کرد.

اما در نهایت بیژن نام‌دار زنگنه، وزیر نفت با تأیید آلوده بودن بنزین پتروشیمی که طی سه سال گذشته در سطح کشور توزیع می‌شد، ضمن اعلام توقف تولید و توزیع این نوع بنزین، از تامین کسری بنزین کشور از طریق واردات از خارج خبر داد و گفت: «سال آینده حجم واردات بنزین با افزایشی حدود ۳ برابری به ۱۰ تا ۱۱ میلیون لیتر در روز افزایش می‌یابد.»

اما مدتی از طرح واردات بنزین نگذشت که مهدی موسوی‌نژاد عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی مدعی رانت در واردات بنزین توسط همسر یکی از مقامات دولت یازدهم شد و گفت که مخالفت‌ها با تولید بنزین پتروشیمی از این موضوع ناشی می‌شود.

به دنبال آن بود که رسانه‌های نزدیک به سپاه از «محمد هاشمی اصفهانی» همسر معصومه ابتکار، به عنوان وارده‌کننده بنزین به کشور نام بردند.

از جمله، وب‌سایت «ندای انقلاب» در یکی از آخرین گزارش‌های خود پیش از توقف فعالیت، نوشت که مهندس سیدمحمد هاشمی اصفهانی به همراه بهزاد هاشمی، محمد هاشمی، معصومه ابتکار، و افسانه‌السادات میری در سال ۱۳۶۹ شرکت صنعتی «تبت» را با مسوولیت محدود به شماره ثبت ۵۷۸۶۷ در زمینه صادرات و واردات تاسیس کردند و این شرکت در دوران دولت هاشمی رفسنجانی هم در تاریخ ۱۳۷۱/۸/۹ با نام تجاری (آرین شید) و با همان شماره ثبت، قراردادی به مبلغ ۲۸ میلیون تومان را در خصوص تامین ۴۰۰۰ مترمکعب چوب روسی مورد نیاز استانداری تهران منعقد کرد.

قراردادی که بنا بر گزارش «سازمان همیاری شهرداری‌های استان تهران» تنها ۵۰۰ مترمکعب از ۴۰۰۰ متر مکعب آن توسط شرکت «آرین شید» تامین شده و مابقی تعهدات قرارداد توسط این شرکت صورت نگرفته است.

ادعایی که از سوی معصومه ابتکار رد شد و او با «دروغ محض» خواندن واردات بنزین توسط همسرش گفت: «بعد از اینکه با پیگیری‌های به عمل آمده، توزیع بنزین پتروشیمی که سرطان‌زا بودن آن محرز است، متوقف شد، برخی سایت‌ها اقدام به تخریب این حرکت کردند و از همسر محمد هاشمی اصفهانی به عنوان واردکننده بنزین خارجی خبر دادند.»

کاظمی، معاون وزیر نفت در امور پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، هم با رد این موضوع به خانه ملت گفت: «واردات بنزین از ابتدا تا کنون توسط امور بین‌الملل شرکت ملی نفت انجام می‌شده است و بخش خصوصی ورود نمی‌کند. و این تشکیلات در وزارت نفت، مسولان فروش نفت خام و فرآورده‌های مازاد مثل مازوت و نفتا را به عهده دارد.»

اما هنوز ابهام در خصوص رانت در واردات بنزین کاملاً برطرف نشده بود که گزارش‌هایی مبنی بر کیفیت پایین بنزین‌های وارداتی در برخی رسانه‌ها منتشر شد. بر اساس این گزارش‌ها، بنزین وارداتی که قرار بود مشکل آلودگی هوا را حل کند، بنزینی بی‌کیفیت‌تر از بنزین تولیدی بود.

چند روز پس از انتشار این خبر بود که پایگاه اطلاع‌رسانی اصول‌گرایان به نقل از معاون وزارت نفت از توقف واردات بنزین به کشور در یک ماه گذشته به علت «بی‌کیفیت بودن» خبر داد و به نقل از «معاون وزیر نفت در امور پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی» نوشت که واردات بنزین از خردادماه امسال متوقف شده تا به زودی بنزین یورو ۴ وارد کشور شود.

اختلاس ۴۰۰۰ میلیارد تومانی تولید کننده کود

خبر فساد مالی دیگر این هفته مربوط به اختلاس چهار هزار میلیارد تومانی یک تولید کننده کود در دولت قبل بود که روزنامه‌ی اعتماد در گزارشی به آن پرداخت.

این خبر اولین بار در سال ۹۲ و زمانی رسانه‌ای شد که محمد ترابی، نماینده شاکیان این پرونده به «خانه ملت» گفته بود: «جریان از آنجا آغاز می‌شود که مشتریان این شرکت نسبت به تولید و پرورش دو ماهه کرم خاکی اقدام و هر سبد محتوی ۱۲ کیلوگرم کود را با قیمت ۲۴ هزار تومان از شرکت مذکور خریداری می‌کنند و شرکت نیز متعهد می‌شود در تاریخ خاتمه قرارداد هر سبد آماده بهره‌برداری را با قیمت ۳۰ هزار تومان از مشتریان خریداری کند. بر طبق مفاد قرارداد کاری این شرکت، قرار بود سود مشارکت در پایان هر دو ماه در ازای تحویل سبد آماده بهره‌برداری از سوی شرکت پرداخت شود. اما این شرکت از ابتدای سال ۹۲ به تعهدات خود عمل نمی‌کند.»

شرکت سایه گستران زندگی ایرانیان، فعالیت خود را از سال ۸۹ آغاز کرد و بر پایه طرحی از امیر شریفی، مدیرعامل این شرکت، به پرورش کرم خاکی و تولید کود آلی (ورمی کمپوست) به روش سبدی پرداخت

کمپوست کرمی و یا کود آلی عبارت از «ورمی کمپوست بیولوژیکی» است که در «اثر عبور مداوم و آرام مواد آلی درحال پوسیدگی از دستگاه گوارش گونه‌ای از کرم‌های خاکی» و دفع این مواد از بدن کرم به دست می‌آید.

این فرآیند که تا پیش از طرح این شرکت در سطح خاک و زمین قابل بهره‌برداری بود، با ابتکار این فرد در فضای کوچک قابل بهره‌برداری شد و به سرعت عده‌ی بسیاری را علاقه‌مند به مشارکت و سرمایه‌گذاری در این طرح کرد.

در این میان، معرفی مدیرعامل این شرکت به عنوان کارآفرین نمونه سال ۹۱ و حضور چندباره‌ی او در صداوسیما استان البرز، جذب سرمایه برای این شرکت را آسان‌تر کرد.

محمد خسروی یکی دیگر از نمایندگان شاکیان پرونده با اشاره به حدود ۳۵ هزار مشتری این شرکت، از سرمایه‌گذاری حدود ۴ هزار میلیارد تومانی مشتریان خبر داده و به «خانه ملت» گفته بود: «شرکت مذکور سه سال است که فعالیت می‌کند و در حالی که طی دو سال و شش ماه روند به خوبی پیش می‌رفت اما در شش ماه اخیر که تعداد مشتریان آن افزوده شده است مطالبات خریداران را پرداخت نمی‌کند و چک‌های این شرکت برگشت می‌خورد.»

با اعتراض و شکایت سرمایه‌گذاران شرکت از امیر شریفی که با برگزاری تحصن در فرمانداری کرج و همچنین پیگیری استانداری البرز همراه شد، سرانجام اموال شرکت «سایه‌گستران زندگی ایرانیان» توقیف شد و امیر شریفی نیز بعد از چند ماه متواری بودن، سرانجام خود را به فرمانداری کرج معرفی کرد و بازداشت گردید.

اما بنا به گزارش «اعتماد» یکی از نقاط ابهام این پرونده وضعیت مجوز این شرکت است. چرا که شرکت، مجوز خود را از جهاد کشاورزی شهرستان «ملارد» اخذ کرده اما تاسیس و شروع کارش را در کرج انجام داده است.

بنا بر این گزارش هرچند که شاکیان ورمی کمپوست برای پیگیری شکایت خود بارها به اعضای مجلس شورای اسلامی مراجعه کرده و خواستار پیگیری موضوع از سوی نمایندگان شده‌اند اما بعد از گذشت یک سال از این پرونده هنوز وضعیت آن نامعلوم است.

ماجرای دنباله‌دار لیست بدهکاران بانکی

در حالی‌که نزدیک به دو ماه از معرفی بدهکاران بانکی از سوی دولت و بانک مرکزی به قوه قضاییه می‌گذرد، هم‌چنان گزارش‌های متناقضی در خصوص اسامی این بدهکاران و میزان بدهی‌های آن‌ها منتشر می‌شود. لیستی که در اردیبهشت‌ماه از سوی دولت در اختیار دستگاه قضایی گرفت از ۵۷۵ بدهکار کلان بانکی و ۸۲ هزار میلیارد تومان مطالبات معوق آن‌ها خبر می‌داد.

در آن زمان، اسحاق جهانگیری، معاون اول رییس‌جمهوری اسلامی، با بیان «بحرانی» بودن سیستم بانکی ایران در نشست مجمع عمومی «فراکسیون اصول‌گرایان رهروان مجلس شورای اسلامی» گفته بود: «هم‌اکنون مجموع مطالبات معوق بانک‌ها به ۸۲ هزار میلیارد تومان رسیده است که در این رابطه دولت از اول سعی کرد تا بررسی کند که در این مطالبات افراد مقصر هستند یا شرایط اقتصادی تاثیر گذاشته است. اسامی این افراد نیز به قوه قضاییه ارسال شده است، از طرف دیگر سیف رییس کل بانک مرکزی چند روز قبل گزارشی را به من داد که در آن گزارش آمده بود که ۲۰ نفر لیست فوق چه سهمی از معوقات دارند.»

اما لیستی که بانک مرکزی به قوه قضاییه فرستاد حتی کامل‌تر بود به طوری که به گفته‌ی محسنی اژه‌ای، سخنگوی قوه قضاییه، «نام برخی از بدهکاران کلان بانکی» را که در لیستی دولت به قوه قضاییه معرفی نشده بودند، شامل می‌شد.

در این میان، خبرگزاری «فارس»، متعلق به سپاه پاسداران، با انتشار گزارشی به نقل از یک «منبع مطلع»، میزان مطالبات بانکی را نزدیک به ۱۶۶ هزار میلیارد تومان اعلام کرد.

از آن زمان تا به امروز در میان سکوت دولت و قوه قضاییه، لیست‌های مختلفی از سوی فعالان رسانه‌ای و وبسایت‌ها منتشر شده است که هرچند صحت و اعتبار آن قابل تایید نیست اما دست‌کم آن‌گونه که «بخشایشی اردستانی»، یک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی به خبرگزاری «تسنیم» گفته، اطلاع‌رسانی صحیح در این خصوص را برای جلوگیری از انتشار شایعات لازم کرده است.

او با تایید وجود اسامی شماری از مقامات دولت احمدی‌نژاد هم‌چون محمدرضا رحیمی، حمید بقایی، و اسفندیار رحیم‌مشایی در این لیست، ارقام نسبت داده شده به آن‌ها را نادرست خواند و در عین حال خواهان استفاده درست از رسانه‌ها برای مبارزه با فساد شد.

این عضو مجلس شورای اسلامی، از جمله در خصوص لیست موسوم به هفتاد میلیارد تومانی که در هفته‌های اخیر در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده گفت: «اینکه رسانه‌ها در سطح ۷۰ میلیارد دلار اسامی را افشا کرده بودند، نه اینکه دقیقاً غلط است، بلکه غلط نیست، درست است اما صحیح نیست یعنی عدد آن اشتباه است و در ارائه آمار افراط کردند.»

این در حالی است که پیش از این، وبسایت «انتخاب» نزدیک به هاشمی رفسنجانی، لیست منتشر شده مبنی بر بدهی‌های میلیاردی اطرافیان احمدی‌نژاد را «کذب» خوانده و نوشته بود: «عمده‌ی چهره‌های ذی نفوذ دولت محمود احمدی‌نژاد نیازی نداشته‌اند تا چنین وام‌های کلانی را مستقیماً در حساب‌های بانکی خود دریافت کنند و طبعا اگر چنین قصدی در کار بوده، عقل و هوش اندک سیاسی نیز حکم می‌کند به نام فرد دیگری چنین وام‌های کلانی اخذ شود.»

این وبسایت اضافه کرده بود که «انتشار این لیست، برای مبراسازی مدیران احمدی‌نژاد از اتهامات مختلف اقتصادی باشد، چرا که مردم عادی نیز با ملاحظه‌ی چنین لیستی، احتمالاً به این نتیجه می‌رسند که نه تنها این لیست بدهکاران کذب است، بلکه بقیه اتهامات سنگینی که متوجه این افراد است نیز فاقد اعتبار است.»

از افکار علی شریعتی تا اجرای قرارداد ۵۹۸

پرویز فتاح قره‌باغی سال ۱۳۴۰ در روستایی بین ارومیه و سلمان در استان آذربایجان غربی متولد شد. برادر بزرگترش از جمله فعالان دانشجویی مذهبی و طرفدار آیت‌الله خمینی در دانشکده فنی دانشگاه تهران بود و به همین دلیل، وی خیلی زود با فعالیت‌های سیاسی آشنا شد. تحت تاثیر برادرش، از نوجوانی مطالعه آثار «علی شریعتی» و «مرتضی مطهری» را آغاز کرد و در بحبوحه انقلاب مسئول انجمن اسلامی مدرسه‌اش بود.

فتاح نوجوان بخاطر مطالعه کتاب‌های مذهبی و به قدرت رسیدن روحانیون در انقلاب ۱۳۵۷، ابتدا تصمیم داشت که در حوزه علمیه ثبت نام کند و روحانی شود اما با شروع جنگ و فرمان آیت‌الله خمینی، رخت روحانیت را به فراموشی سپرد؛ پوتین به پا کرد و از روز نخست جنگ ایران و عراق تا زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸، عازم جبهه‌ها شد. خودش یک بار در یک برنامه تلویزیونی در این باره گفت: «روز اول جنگ که سی و یکم شهریور ۵۹ بود بنده تهران بودم و با چند نفر از دوستان دانشگاهی جمع شدیم تا در حوزه علمیه فیضیه ثبت‌نام کنیم اما با پیام امام راحل به ارومیه بازگشته و به آموزش نظامی کنار دریاچه ارومیه پرداختیم، شهید حمید باکری و شهید مهدی باکری هر دو آموزش خمپاره به ما دادند.»

ابتدا به فعالیت در «جهاد سازندگی» روی آورد و در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ جزو مؤسسين جهاد استان و مسئول کمیته فرهنگی جهاد استان آذربایجان غربی بود اما رفته رفته از محدوده استانی فاصله گرفت و در طی سال‌های حضور در جبهه، مسئولیت‌های مختلف نظامی را تجربه کرد. آخرین مسئولیت وی در جنگ، «قائم مقامی فرماندهی لشکر ویژه سپاه پاسداران» بود. به دلیل آشنایی با فنون نقشه‌برداری و مهندسی، در سال ۱۳۶۸ از سوی علی خامنه‌ای به عضویت ستاد ۹ نفره نظامی برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ درآمد تا خطوط مرزی دو کشور ایران و عراق با حضور کارشناسان و بازرسان سازمان ملل تعیین شود. یک سال بعد نیز مامور مبادله اجساد کشته‌شدگان جنگ ایران و عراق از دولت حکومت تهران شد و با برگزاری مراسمی در مرز شلمچه، نخستین پیکر ایرانی کشته شده در جنگ وارد خاک ایران شد.

بعد از پایان جنگ و همزمان با ورود بدنه سپاه پاسداران به کارهای سازندگی، وی نیز رفته رفته از فاز نظامی فاصله گرفت و همگام با سپاه، به کار اجرایی روی آورد: «ما پس تعیین آخرین میله مرزی و رفتن نیروهای سازمان ملل و اتمام مأموریت به وادی سازندگی قدم نهادیم.» پرویز فتاح به مدت سه سال «مدیر امور قراردادی پروژه‌های عمرانی در امور سازندگی» قرارگاه خاتم‌الانبیاء و «عقد قراردادهای پروژه ملی در سطح کشور» شد و به مدت ۱۱ سال نیز «قائم‌مقام و معاون فنی شرکت مهندسی سپاسد» بود. مدیریت پروژه سدهای کرخه و گتوند از جمله مهمترین مسئولیت‌های وی در این دوران محسوب می‌شود.

خودش می‌گوید که بعد از پایان جنگ، بیشتر روزها را برای کار در پروژه‌های سازندگی، در «بیابان»‌ها گذرانده است: «اولین کارم را با سد عظیم کرخه شروع کردم. کار ما ترکیبی از کارهای فنی و اجرایی بود و بیشتر عمرم را قبل از دولت، در بیابان بودم. چراکه سدها در نقاط دورافتاده و بیابانی ساخته می‌شوند و زندگی سختی تجربه می‌شود. بعضا مثل دوران جنگ، در چادر و کانکس می‌ماندیم تا آن پروژه راه اندازی شود.»



پرویز فتاح مدیرعامل بنیاد تعاون سپاه کیست؟ یوحنا نجدی - سعید قاسمی نژاد

گشایش: در میان مقامات مختلف جمهوری اسلامی، هستند کسانی که فعالیت سیاسی یا اقتصادی در «پشت صحنه» را به حضور در مقابل رسانه‌ها ترجیح می‌دهند؛ چه هم نفع اقتصادی بیشتری برایشان به همراه دارد و هم اینکه از دآوری افکار عمومی و گفته‌ها و شنیده‌ها درباره خود نیز مصون می‌مانند. آنچه در پی می‌خوانید، درباره یکی از اینگونه مردان جمهوری اسلامی است؛ پرویز فتاح؛ مدیرعامل بنیاد تعاون سپاه از مهمترین بازیگران اقتصاد ایران، این «بچه‌حزب‌اللهی» با سالها سابقه فعالیت در «سپاه پاسداران» که به یک‌باره در یک تصمیم عصرگاهی از سوی محمود احمدی‌نژاد به وزارت نیرو رسید اما خیلی زود دریافت که مسیر را اشتباهی پیموده و در اولین دوربرگردان، به سپاه بازگشت.



ابتدا به فعالیت در «جهاد سازندگی» روی آورد و در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ جزو مؤسسين جهاد استان و مسئول کمیته فرهنگی جهاد استان آذربایجان غربی بود اما رفته رفته از محدوده استانی فاصله گرفت و در طی سال‌های حضور در جبهه، مسئولیت‌های مختلف نظامی را تجربه کرد. آخرین مسئولیت وی در جنگ، «قائم مقامی فرماندهی لشکر ویژه سپاه پاسداران» بود.



همسر پرویز فتاح، "معلم" بود که به گفته خودش «به دلیل مشغله‌های زیاد» همسرش دست از کار کشید اما برای پر کردن اوقات‌اش، به تحصیل در رشته "مترجمی زبان انگلیسی" روی آورد. آقای فتاح و همسرش، دو فرزند دارند؛ دخترش «نعیمه»، دانش‌آموخته رشته حقوق دانشگاه تهران و پسرش «امیرحسین» نیز دانشجوی رشته نرم‌افزار است.

آقای فتاح، سال ۱۳۶۸ مدرک لیسانس مهندسی عمران را از دانشگاه صنعتی شریف دریافت کرد و سال ۱۳۸۲ نیز از همین دانشگاه در رشته کارشناسی ارشد صنایع در گرایش "سیستم‌ها" فارغ التحصیل شد. او از سال ۱۳۷۲ و به مدت پنج سال عضو هیئت علمی دانشگاه و سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۵ نیز معاون تحصیلات تکمیلی و عضو شورای دانشگاه امام حسین بود. وی غیر از تسلط بر زبان ترکی، با دو زبان انگلیسی و کردی آشنا است.

فتاح اما یک بار از مرگ حتمی گریخت؛ در حج خونین سال ۱۳۶۶ وی از جمله افرادی بود که در میان زائران حضور داشت؛ به شدت مریض و در یکی از بیمارستان‌ها بستری شد و در جریان حمله به زائران ایرانی وی نیز در میان دهها کشته و زخمی قرار داشت و حتی زیر دست و پای این افراد نزدیک بود جانش را از دست بدهد اما یک روحانی ناگهان به دادش رسید؛ دستش را گرفت و وی را از میان آوار جنازه‌ها بیرون کشید؛ این روحانی اما کسی نبود جز "سید محمود علوی"؛ وزیر کنونی اطلاعات در دولت حسن روحانی که در آن سال، روحانی کاروان زیارتی آقای فتاح بود.

ناکهان در وزارت؛ احمدی‌نژاد: «وقت نیست؛ برو برنامه بنویس!»

پرویز فتاح زمانی، با سال‌ها فعالیت در جبهه و سپاه اما زمانی چهره شد که به عنوان وزیر نیرو در دولت نخست محمود احمدی‌نژاد به مجلس شورای اسلامی معرفی شد؛ آشنایی پرویز و محمود اما سابقه‌ای سی ساله داشت. وی ۲۳ شهریورماه سال ۱۳۹۲ با حضور در برنامه تلویزیونی "شناسنامه" در شبکه سوم تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی درباره سابقه دوستی‌اش با احمدی‌نژاد چنین گفت: «آشنایی ما با آقای احمدی‌نژاد به اول انقلاب بازمی‌گشت، ایشان دانشجوی علم و صنعت بود؛ دانشگاه‌ها تعطیل شدند. اینها یک تیمی بودند از دانشگاه علم و صنعت و با استادشان به استان ما آمدند. یکی استاندار شد و بقیه هم معاون و فرماندار شدند و بنده هم که آنجا بودم به واسطه مسائلی با انقلاب آشنا بودم و آشناتر شدیم و آشنایی اولیه ما با آقای احمدی‌نژاد از ارومیه آغاز شد.»

این رفاقت اما در دوران استانداری محمود احمدی‌نژاد در استان اردبیل نیز همچنان دورادور ادامه یافت: «در دولت آقای هاشمی، {احمدی‌نژاد} استاندار اردبیل بود و از ما دعوت کرد که او را کمک کنیم و من دو بار به اردبیل رفتم. وقتی شهردار تهران شد دوباره ما را برای معاونت عمرانی دعوت کرد که معاون وی شوم اما چون بنده مشغول سد کرخه بودم نتوانستم اجابت کنم که در دولت نهم وی از من دعوت کرد.»

فتاح می‌گوید که با وجود رابطه نزدیکش با احمدی‌نژاد اما از شش ماه قبل از انتخابات سال ۱۳۸۴ هیچ دیداری با وی نداشته و انتخابش به عنوان وزیر نیرو، تصمیمی "غیرمنتظره" از سوی احمدی‌نژاد بوده است: «من مشغول کارهای سدسازی و عمرانی بودم؛ پسر امیرحسین که عمره دانش‌آموزی می‌رفت را به فرودگاه بردم در راه ساعت ۷ صبح زنگ

زدند که آقای رئیس‌جمهور با شما کار دارد. همان تلفن را جواب دادم و گیر افتادم و وی گفت که کارت دارم آب دستت است بگذار و بیا، همین.»

وی در گفتگو با شماره روز ۲۳ اسفندماه سال ۱۳۸۸ روزنامه "جام جم" چاپ تهران درباره شرح دیدارش با احمدی‌نژاد و مذاکره برای قبول وزرات نیرو گفت: «رفتیم خدمت آقای رئیس‌جمهوری. ایشان یک جمله گفت: دیروز جمعه عصر من لیست را بسته بودم، بعد گفتم یک بار دیگر نگاه کنم و امروز (شنبه) آن را بفرستم مجلس که عکس شما را دیدم و احساس کردم جای شما خالی است.» وی ادامه داد: «گفتم شوخی نکنید، من آماده نیستم، برنامه ندارم. گفت اسمت را می‌نویسم برو و مقدمات کار را فراهم کن. من اصلا برنامه نداشتم. گفت اجازه نداری منزل بروی، همین جا بنشین و کارت را شروع کن و برنامه بنویس، ما هم همین‌طور رفتیم مجلس.»

این در حالی است، به گفته پرویز فتاح، وی و خانواده‌اش تا آن زمان در "گمنامی" زندگی می‌کردند و بدین خاطر، همسرش با قبول مسئولیت وزارت توسط وی مخالف بود: «به همسرم گفتم، اول باور نکرد و گفت قبول نکن، چون زندگی ما روال دیگری داشت و ما در وادی این چیزها نبودیم و به زندگی در گمنامی بسیار راضی بودیم.»

فتاح اما با کسب رای اعتماد مجلس شورای اسلامی به وزارت نیرو رسید؛ در روز رای اعتماد، بر اساس ترتیب حروف الفبا وی آخرین وزیر پیشنهادی دولت بود که پشت تریبون رفت و از خود و برنامه‌اش سخن گفت؛ فتاح اما تا پیش از آن آنچنان "پشت صحنه" بود که نه آداب سخنوری می‌دانست و حتی نه خبرنگاری وی را می‌شناخت.

وی ۲۰ شهریورماه ۱۳۸۹ در گفتگو با خبرگزاری "مهر"، در توصیف نخستین روز ورودش به ساختمان مجلس می‌گوید: «خاطرم هست روز اول که بنده به همراه محافظان و همراهان به مجلس رفتم، نمی‌دانستم از کدام در باید به سمت صحن بروم. اولین بار هم که در کمیسیون رفتم، سه-چهار نفر بودیم، از ما سؤال شد کدام یک از شما کاندیدا برای وزارت نیرو هستید و مرا نمی‌شناختند.» پس بعید نیست که خبرنگاران نیز وی را نمی‌شناختند تا اینکه خود به میان خبرنگاران رفت: «روز اول که به مجلس رفتم و خبرنگاران حضور داشتند، هیچ کس مرا نشناخت و من به میان خبرنگاران رفتم، تا این اندازه ناشناختگی وجود داشت.»

فضای کار در وزارت، دولت و کمیسیون‌های مجلس با فعالیت‌های پیشین فتاح عمیقا متفاوت بود: «طی این سالها بعضا مثل دوران جنگ، در چادر و کانکس می‌ماندیم تا آن پروژه راه‌اندازی شود ... اما بحث دولت نهم که پیش آمد، آقای دکتر احمدی‌نژاد مرداد سال ۸۴ بنده را دعوت به کار کرد. خیلی تفاوت بود بین فضایی که من به آن دعوت شده بودم و فضایی که در آن کار و زندگی می‌کردم.» با این حال اما پرویز فتاح با ۱۹۴ رای مثبت از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی که رای بالایی محسوب می‌شود، به ساختمان بلند وزارت نیرو در تقاطع خیابان‌های ولیعصر- نیایش تهران رفت. خودش می‌گوید که حتی نگهبان در ورودی وزارت نیرو نیز وی را نمی‌شناخت: «روز اول کار در وزارت نیرو که شنبه بود، صبح زود به وزارتخانه رفتم. آن زمان شروع به کار وزارتخانه ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه صبح بود و من خودم رفتم و نگهبان از من پرسید شما؟ گفتم: بنده حقیر قرار است که وزیر باشم. خودش را جمع و جور کرد، چون مرا نمی‌شناخت.»

فتاح و احمدی‌نژاد؛ دو رفیق و دو همکار

رابطه پرویز فتاح و محمود احمدی‌نژاد اما تا پیش از گسترده شدن دایره نفوذ و اعمال نظر اسفندیار رحیم مشایی در دولت بسیار نزدیک و دوستانه بود؛ آنچنانکه فتاح برخلاف سایر وزرای کابینه نخست دولت احمدی‌نژاد "سرزده" و "بی وقت قبلی" حتی هنگام صرف نهار می‌توانست به دیدار دوست دیرینش و رئیس‌جمهور وقت برود: «آقای رئیس‌جمهور که در ریاست جمهوری ناهار میل می‌کردند، من ندیدم سایر وزرا سرزده به اتاق وی بروند و با او ناهار بخورند، اما من می‌رفتم. بدون اینکه زنگ بزنم، سرزده می‌رفتم. من هم سر سفره می‌نشستم و ناهار می‌خوردم و صحبت هم می‌کردیم. سایر وزرا این رعایت حریم را داشتند، در دولت نیز همین بود. آقای رئیس‌جمهور چون مرا دوست داشتند، با نگاه و خطابش و روابطش معلوم بود که ملاحظه مرا می‌کنند.»

وی با تاکید بر اینکه «من با رئیس‌جمهور جزء صمیمی‌ترین‌ها بودم»، می‌افزاید: «البته بعضا با حفظ حرمت، گلایه‌ای از ایشان داشتم و می‌گفتم: ببخشید دکتر، چرا شما این حرف را زدید نمی‌شد طور دیگری بگویید ... برخی اوقات نیز ایشان جدی‌تر یا به تعبیر من تندتر با من صحبت و خطاب می‌کرد.» این رابطه نزدیک بین دو رفیق قدیمی تا پایان کار دولت نهم بین رئیس‌جمهوری و وزیر نیروی وقت باقی ماند آنچنانکه فتاح اولین نفری بود که معرفی محمود احمدی‌نژاد به عنوان پیروز انتخابات جنجالی و مخدوش سال ۱۳۸۸ را حضورا به وی تبریک گفت؛ همسرش نیز تلفنی با احمدی‌نژاد صحبت کرد: «بعد از انتخاب شدن ایشان، بنده اولین فردی بودم که در دفتر نزد آقای رئیس‌جمهور رفتم. یعنی اولین وزیر که نزد رئیس‌جمهور رفتم؛ صبح روز شنبه بعد از انتخابات...»

ایشان خیلی ابراز لطف کردند. همان جا ایشان با همسر بنده تلفنی صحبت کرد. شاید همسر من جزء اولین افرادی بود که بعد از انتخابات مستقیم با آقای رئیس‌جمهور صحبت کرد و تبریک گفت و ایشان نیز تشکری از همسرم داشت که آقای فتاح در این مدت خیلی تحت فشار بود و اذیت شد؛ این خیلی لطف است.»

آخرین جمعه پیش از انتخابات ریاست جمهوری مخدوش سال ۱۳۸۸ نیز محمود احمدی‌نژاد با فتاح تماس تلفنی گرفت؛ حرف‌هایی رد و بدل شد که احمدی‌نژاد را "متاثر" کرد و فتاح را به "گریه" انداخت: «من مرتب با ایشان تماس داشتم. آخرین جمعه قبل از انتخابات را به خاطر دارم که صبح منزل بودم که ایشان تماس گرفت و حدود ۱۰ دقیقه با هم صحبت کردیم. این صحبت‌ها به جایی کشیده شد که پشت تلفن هم من گریه کردم و هم آقای رئیس‌جمهور متاثر شد.»

غروب روابط وزیر و رئیس؛ «احمدی‌نژاد تغییر کرد»

روابط صمیمانه پرویز فتاح و محمود احمدی‌نژاد اما همچون بسیاری از دیگر یاران نزدیک رئیس‌جمهور وقت جمهوری اسلامی، به سردی گرایید و هر چقدر که دامنه نفوذ اسفندیار رحیم مشایی در دولت بیشتر می‌شد، از شمار همراهان همیشگی احمدی‌نژاد نیز کاسته شد. پرویز فتاح اما علیرغم انتقاد به رفتار احمدی‌نژاد در باز گذاشتن دست مشایی برای اعمال نظر در زمینه‌های مختلف، بر خلاف شمار دیگری از اعضای کابینه شمشیر از رو نبست؛ ترجیح داد از کابینه کناره گیرد و انتقادهایش نسبت به روند اجرایی کشور را گاه به گاه در برخی مصاحبه‌ها ابراز کند.

فتاح که در کابینه دوم محمود احمدی‌نژاد از حضور در دولت انصراف داد و پستی نپذیرفت، درباره تفاوت های دولت اول و دوم احمدی‌نژاد و دلیل تصمیمش برای خروج از دولت می‌گوید: «ترکیب دولت نهم و دهم با هم متفاوت بود. چپینشی که رئیس‌جمهور انجام داد و افرادی را که آورد، از بحث آقای مشایی که شروع شد و مباحث دیگر، نشان داد که مسیر قدری متفاوت است.»

فتاح معتقد است که حضور در قدرت اساسا رفتار احمدی‌نژاد را تغییر داد: «شناختی که از احمدی‌نژاد داشتم با احمدی‌نژاد آخر دولت دهم بسیار متفاوت بود و این نشان می‌دهد که سیاستمداران با تجربه هم در کنش و واکنش واقعیت‌های سیاسی تغییر می‌کنند.»

جدایی فتاح از کابینه نهم زمانی قطعی شد که با وجود مخالفت علی خامنه‌ای با تصمیم احمدی‌نژاد برای سپردن مسئولیت معاون اولی رئیس‌جمهور به مشایی اما احمدی‌نژاد بر تصمیمش در این خصوص اصرار کرد و حتی اداره یکی از جلسات کابینه را به وی سپرد؛ زمانی که شماری از اعضای کابینه در اعتراض به معاون اولی اسفندیار رحیم مشایی، جلسه کابینه را "تیمه کاره" ترک کردند؛ فتاح به دیواری تکیه داد و "گریست": «تکیه به صندلی و دیوار اتاق کردم و گفتم چه بر سر ما آمد.»

وزیر وقت نیرو در شرح این جلسه کابینه می‌گوید: «در آن جلسه آقای مشایی رفت و در صندلی معاون اول قرار گرفت و یک نیمه جلسه را اداره کرد. اعتراض‌های وزرا به این مساله باعث شد جلسه به هم بخورد و رئیس‌جمهور نیز با حالت قهر از جلسه هیات دولت بیرون برود؛ این تنها جلسه کابینه بود که به این شکل به هم خورد.»

وی اسفندماه سال ۱۳۸۸ به روزنامه "جام جم" گفت که از یک ماه پیش از پایان کار دولت نهم تصمیمش برای کناره‌گیری از دولت را اتخاذ کرده بود: «قبل از انتخابات هم برای من مسلم بود که دیگر همکاری نخواهم داشت و این بحث را با همکاران وزارت نیرو هم در میان گذاشتم. از یک ماه قبل از انتخابات به بعد نه مصاحبه‌ای کردم، نه بازدیدی داشتم و نه افتتاحی انجام دادم و کاری نکردم که امور وزارت نیرو به خاطر آن مختل شود، ولی معلوم بود که چه تصمیمی دارم و این موضوع برای آقای احمدی‌نژاد هم مسلم شده بود.»

فتاح البته همه پلهای پشت سر را خراب نکرد و ترک دولت را به معنای پایان رابطه‌اش با احمدی‌نژاد نمی‌داند: «لزوما هر جدایی به معنای اختلاف نیست آن هم از نوع سیاسی. گاهی پدر و پسر، دو برادر یا دو دوست نمی‌توانند با هم کار کنند. آقای رئیس‌جمهور یک سبک خاصی دارد و نشان داده اند رودر بایستی با کسی ندارد.»

وی با این حال، رفته رفته بر شدت انتقادهایش از دولت دوم محمود احمدی‌نژاد افزود؛ آنچنانکه مردادماه سال ۱۳۸۹ با طرح انتقادهایی صریح از روند خصوصی به شدت انتقاد و دولت را تلویحا به "دور زدن قانون" و ایجاد نوعی "رانت" برای خود متهم کرد. وی نخستین بار فاش کرد که دولت، سهام شرکت سایپا را به قیمت سه برابر، به خودش فروخته است: «دولت همین اواخر سایپا و ایران خودرو را در قالب بلوک ۱۸ درصدی در بورس واگذار کرد، اما این سنئوال مطرح است که چرا دولت معامله ایران خودرو را ملغی اعلام کرد؟ باید از دولت پرسید که چرا معامله ایران خودرو را بهم زد یا چرا سایپا را به سه برابر قیمت فروخت. چطور می‌شود که هم دولت فروشنده و هم شرکت وابسته به سایپا خریدار باشد؟»

فتاح در ادامه انتقادهایش گفت: «قیمت پایه سهام سایپا ۳۰۰ تومان بود ولی هر سهم را ۸۴۰ تومان فروختند. ما که در کار اقتصادی هستیم، می‌گوییم بر این عقل باید شک کرد.»

در اوج کشمکش میان مخالفان اسفندیار رحیم‌مشایی و احمدی‌نژاد، وزیر سابق نیرو در دولت نهم نیز بر شدت انتقادهایش از نابسامانی و فقدان مدیریت در سطوح اجرایی بالای کشور افزود. فتاح دی ماه سال ۱۳۹۰ با حضور در برنامه تلویزیونی «دیروز، امروز، فردا» از ربط دادن تمامی مشکلات اقتصادی کشور به «تحریم‌ها» به شدت انتقاد کرد و با تأکید بر اینکه «اقتصاد یک علم است»، گفت که «تورم ربطی به تحریم‌ها ندارد.»

وی صبح روز بعد از این برنامه تلویزیونی در تماس تلفنی با محمدحسین رنجبران، مجری برنامه، بخشی از سخنانش را که در دلش مانده بود نیز به زبان آورد: «آقایان بیایند برای مردم توضیح دهند بگویند دلیل این نابسامانی کجاست؟ مگر الان ما تحریم شده‌ایم که اینگونه القا می‌کنید؟ من با وزیر نفت ارتباط نزدیک دارم؛ الان یک بشکه نفت ما هم معطل نمی‌ماند و روی هوا می‌برند. چرا باید اینگونه به مردم القا کنیم که تحریم‌ها باعث این وضع است؟»

وزیر سابق نیرو حتی با اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها توسط دولت احمدی‌نژاد نیز مخالفت کرد: «با این اوضاع و احوال می‌گویند می‌خواهیم گام دوم هدفمندی را اجرا کنیم و پول بیشتری به مردم بدهیم؛ انگار نمی‌دانند الان پول بیشتر دادن به مردم خدمت به آنها نیست بلکه سم است.»

فتاح یک ماه بعد نیز مهمان برنامه «پارک ملت» در تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی شد و از «دروغ‌گویی‌ها» و «آمارسازی»های دولت به شدت انتقاد کرد: «مردم می‌فهمند و حتی از چهره مسوولان هم متوجه می‌شوند که وقتی مثلاً آمار می‌دهند، یا می‌گویند رشد اقتصادی‌مان اینقدر شده، یا تورم فلان اندازه شده، راست می‌گویند یا دروغ؟»

به این ترتیب، نه تنها آفتاب رفاقت سی ساله فتاح و احمدی‌نژاد غروب کرد بلکه وزیر سابق نیرو دریافت که کابینه و اصولگرایی ریسمانی نیست که برای ماندن در قدرت بتوان به آن چنگ زد. چهار سال حضور در کابینه به فتاح آموخت که جناح بندی‌های سیاسی، فراز و فرودهایی دارد که چندان باب میل‌اش نیست و به همین دلیل تصمیم گرفت تا بار دیگر به پشت صحنه بازگردد؛ سپاه پاسداران.

تکنوکرات سپاهیان؛ اینجا راحت‌تر هستیم»

پرویز فتاح بعد از وزارت، به سپاه بازگشت و آنگونه که خود شرح می‌دهد از این تصمیمش بسیار راضی است. وی مردادماه سال ۱۳۸۸ از حضور در دولت ابراز خستگی کرده بود: «خسته شده‌ام، نمی‌خواهم در دولت بمانم.»

آقای فتاح ساعت ۱۶ عصر روز سه شنبه ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۸۸ در مراسمی با حضور فرماندهان بلندپایه سپاه پاسداران از سوی محمدعلی جعفری، فرمانده سپاه پاسداران به عنوان «جانشین قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء» و «مدیرعامل بنیاد تعاون» منصوب شد. مدیرعامل پیشین این بنیاد، سردار احمد وحید دستجردی بود که به عنوان جانشین وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح منصوب شد.

آقای جعفری همچنین مهرداد بذریاش، از فعالان پیشین بسیج دانشجویی و نماینده کنونی مجلس شورای اسلامی را نیز که در آن زمان، از سمت خود به عنوان «رئیس سازمان ملی جوانان» توسط محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت برکنار شده بود، به عنوان «قائم‌مقام بنیاد تعاون» منصوب کرد.

بر اساس آگهی تصمیمات موسسه بنیاد تعاون سپاه پاسداران که ۱۹ بهمن‌ماه سال ۱۳۸۸ در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی منتشر شد، طبق صورتجلسه هیات امنای این بنیاد، آقای فتاح به عنوان «عضو هیئت مدیره» و «مدیرعامل» بنیاد تعاون سپاه انتخاب شد. مرتضی رضایی، جمال آبرومند، احمد وحید دستجردی به عنوان دیگر اعضای هیات مدیره این بنیاد معرفی شدند. عضویت آقای فتاح در هیات مدیره این بنیاد همچنین مهرماه سال ۱۳۹۰ نیز در روزنامه رسمی کشور بار دیگر اعلام و تمدید شد. وی یک سال بعد نیز بار دیگر به عنوان «مدیرعامل» این بنیاد معرفی شد و این موضوع در روزنامه رسمی کشور به اطلاع عمومی رسید.

به موجب آگهی تصمیماتی که بهمن‌ماه سال ۱۳۸۹ بعد در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی منتشر شد، آقای فتاح در موسسه کانون بازنشستگان سپاه پاسداران نیز به عنوان عضو هیات مدیره انتخاب شد.

فرمانده سپاه پاسداران در واکنش به برخی اظهارنظرها مبنی بر اینکه «بنیاد تعاون سپاه» به جایگاه «افراد برکنار شده توسط دولت» تبدیل شده است، با تأکید بر اینکه «فتاح و بذریاش از دوستان و رفقای ما و نیروهای انقلاب هستند»، گفته بود: «آنها که به هر دلیلی نتوانسته‌اند با دولت همکاری کنند، در مجموعه سپاه و در جایی که بتوانند نقش موثری داشته باشند بکار گرفته شده‌اند لذا نباید به برداشت‌های منفی از این موضوع توجه کرد.»

فتاح اگر چه هرگز حاضر نشد همچون دیگر وزرای برکنار شده شمشیر را برای دولت احمدی‌نژاد از رو ببندد اما در مقام مدیرعامل بنیاد تعاون سپاه با دولت اختلافات زیادی پیدا کرد. اختلافات میان بنیاد تعاون سپاه و قوه مجریه صرفنظر از اختلافات شخصی میان محمود احمدی‌نژاد و فرماندهان سپاه ریشه در جایگاه این دو نهاد و فرایند خصوصی سازی در ایران نیز داشت. از مهم‌ترین اختلافات بنیاد تعاون سپاه و دولت بر سر حضور سپاه در صنعت خودروسازی بود. سپاه که از دیرباز از طریق گروه بهمن در صنعت خودرو حضور داشت آماده می‌شد تا در فرایند خصوصی سازی صنایع دولتی، صنعت خودرو را نیز همچون دیگر عرصه‌های صنعت به تصرف خود درآورد. دولت محمود احمدی‌نژاد اما زیر بار نرفت تا داد پرویز فتاح بلند شود و در مصاحبه با جام جم گله کند که «دولت سهام سایپا را سه برابر قیمت به خودش فروخت.» در همان مصاحبه پرویز فتاح می‌گوید «باید از دولت پرسید که چرا معامله ایران خودرو را بهم زد یا چرا سایپا را به سه برابر قیمت فروخت. چطور می‌شود که هم دولت فروشنده و هم شرکت وابسته به سایپا خریدار باشد. این روش با کدام عقل اقتصادی جور در می‌آید، ضمن اینکه بنیاد تعاون سپاه را هم محترمانه از معامله بیرون کردند.»

فتاح در پاسخ به انتقادات به فعالیتهای اقتصادی بنیاد تعاون سپاه با اشاره به فرمان آیت‌الله خمینی در سال ۱۳۶۵ برای تشکیل «بنیاد تعاون سپاه» می‌گوید: «این بنیاد وظیفه تأمین مسکن کادر سپاه و بسیجیان و ایثارگران را در برنامه کاری خود دارد و یکی از مسکن‌سازان عمده کشور به شمار می‌رود و دارای ۲۴ شرکت است که کار اصلی آن‌ها مسکن‌سازی است. ۳ موسسه مالی اعتباری انصار، ثامن و مهر را نیز در اختیار دارد که فعالیت‌های قرض‌الحسنه‌ای کاملاً اسلامی انجام می‌دهد.» وی درباره دلیل انتخاب «بنیاد تعاون» به عنوان مسئولیت جدیدش بعد از خروج از کابینه توضیح می‌دهد: «من دنبال این بودم که جایی باشم که هم ماهیت عمرانی داشته باشد و هم ماهیت خدمت‌رسانی. از طرف دیگر برای من خدمت به نیروهای ارزشی خیلی شیرین است.»

پرویز فتاح از قرارگاه سازندگی "خاتم الانبیا" به عنوان "شجره طیبه" یاد می‌کند و می‌گوید که این قرارگاه با "مجوز دولت اول علی اکبر هاشمی رفسنجانی" و "با اذن" علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی شروع به کار کرد و اگرچه در ابتدا "چنین دورنمایی برای آن تصور نمی‌شد" اما رفته رفته "اینهمه بال و پر پیدا کرد" و "گسترده" شد تا جایی که به گفته وی، «بعضی از خودی‌ها الان منتقد می‌شوند که چرا اینقدر بزرگ شده است.»

وزیر سابق نیرو خوشحالی خود از بازگشت به نهادهای زیرمجموعه سپاه پاسداران را اینگونه توصیف می‌کند: «تحصیلات و تجربیات من با قوه قضائیه هم همخوانی ندارد، بنده از سپاه به دولت مامور شده بودم. بنابراین به اصلم برگشتم.»

وی می‌گوید که از مدتها قبل تصمیم داشت که در اولین فرصت به بدنه سپاه بازگردد: «خاطرم هست آخرین مصاحبه سال ۸۷ که در صدا و سیما انجام شد، مجری از من پرسید که اگر شما در دولت دهم نبودید، می‌خواهید چکار کنید؟ گفتم علاقه دارم که به کارهای قبلی خودم برگردم، و این اتفاق افتاد.»

آقای فتاح مردادماه سال ۱۳۹۱ در برنامه تلویزیونی "دیروز، امروز، فردا"، فضای بنیاد تعاون را "آرام اما پرمشغله" و آن را نهادی "حساس" توصیف کرد و افزود: «عرصه بنیاد هم خدماتی و هم اقتصادی است؛ ما سعی می‌کنیم بنیاد آرام اداره شود چراکه معتقدم در عرصه اقتصادی آرامش می‌تواند بیشتر با تدبیر و عقلانیت همراه شود.»

وی البته آنچنان از عملکرد اقتصادی بنیاد دفاع می‌کند که همزمان با بالا گرفتن بحث‌ها در خصوص اختلاس سه هزار میلیارد تومانی و شنیده‌هایی مبنی بر درگیر بسیاری از نهادهای حکومتی در این فساد، آبان ماه سال ۱۳۹۰ در گفتگو با خبرگزاری نیمه‌حکومتی "مهر" با بیان اینکه «هیچ یک از نهادهای مالی بنیاد تعاون سپاه درگیر این اختلاس نبوده‌اند»، تاکید کرد: «البته این زیرمجموعه‌ها نیز از این اختلاس متاثر شده‌اند و اگرچه هیچ‌یک از آنها در این موضوع ذره‌ای دخالت نداشته‌اند، اما کارهای آنها نیز تحت تاثیر قرار گرفته است.»

زمانی که از پرویز فتاح درباره فعالیت‌های "بنیاد" سوال پرسیده می‌شود، او قبل از هر چیز بر این موضوع تاکید می‌کند که "بنیاد" خارج از "حسابرسی" سایر نهادهای دولتی است: «اینجا جای آرامی است و دولتی نیست ... وابسته به بودجه دولت نیست و در انتخاب همکاران ما باید اصول و ضوابط کار خصوصی را در نظر بگیریم و پرداختی‌های ما نیز همینطور است.»

وی با تاکید مجدد بر "عدم پاسخگویی" بنیاد به نهادهایی همچون "مجلس" و حتی "سازمان بازرسی کل کشور" ادامه می‌دهد: «ما برخلاف دولت در مقابل مجلس، وظیفه پاسخگویی نداریم که مثلاً تذکر بگیریم و مورد سؤال قرار بگیریم. سازمان بازرسی کل کشور مثل سیستم‌های دولتی و عمومی به اینجا ورود ندارد و خصوصی محسوب می‌شود، اینها مزایای کار است.»

"بانک انصار"، "بانک مهر" و "موسسه ثامن الائمه" از جمله بانک‌ها و موسسات ریز و درشتی هستند که زیرمجموعه "بنیاد تعاون سپاه" محسوب می‌شوند. شرکت‌های "کشت و صنعت شاداب خراسان"، "خدمات هوایی پارس" و "صنایع غذایی مائده" نیز از جمله شرکت‌هایی محسوب می‌شوند که "صد در صد" از سهام آنها به "بنیاد تعاون سپاه پاسداران" تعلق دارد.

اما مهمترین زمانی که نام "بنیاد تعاون سپاه" بر سر زبان‌ها افتاد به شهریورماه سال ۱۳۸۸ باز می‌گردد که ۵۱ درصد از سهام "شرکت مخابرات ایران" به ارزش تقریبی ۸ میلیارد دلار در عرض "کمتر از نیم ساعت" در "معامله‌ای بی‌رقیب" به کنسرسیوم موسوم به "اعتماد مبین" (بعدها به شرکت "توسعه اعتماد مبین" تغییر نام پیدا کرد)، متشکل از شرکت‌های سرمایه‌گذاری "توسعه اعتماد" و "شهریار مهستان" که از شرکت‌های زیرمجموعه "بنیاد تعاون سپاه" هستند و شرکت "گسترش الکترونیک مبین ایران"، از شرکت‌های زیرمجموعه "ستاد اجرایی فرمان امام" واگذار شد. پرویز فتاح اما از گسترده‌تر شدن دایره فعالیت‌ها و برنامه‌های بنیاد حتی به "ساخت و ساز" و از سرگیری فعالیت‌های "۲۰ سال قبل" این بنیاد در خانه‌سازی خبر می‌دهد: «ما ۲۳ شرکت رسمی داریم که کار ساخت و ساز مسکن انجام می‌دهند... هم اکنون در اکثر نقاط کشور، "بنیاد تعاون" مسکن می‌سازد؛ این خوب است یا بد؟ کار ساخت و ساز ما به وسعت ایران اسلامی است و در محروم‌ترین جاها خانه می‌سازیم.»

به گفته وی، این بنیاد «وظیفه تامین مسکن کادر سپاه و بسیجیان و ایثارگران» را برعهده دارد و با دارا بودن "۲۴ شرکت" «که کار اصلی آنها مسکن‌سازی است»، در واقع، «یکی از مسکن‌سازان عمده کشور به شمار می‌رود.»

وی البته تاکید می‌کند که در انجام تمام این کارهای اقتصادی توسط بنیاد تعاون سپاه، تنها "رضای خداوند" و "رفاه حال مردم" مدنظر قرار می‌گیرد: «ما سود به آن معنا که در ذهن برخی افراد هست را مدنظر نداریم. سود این است که یک هموطن با آرامش در یک خانه زندگی کند، این الان مدنظر است.»

در توضیح اهمیت نقش و نفوذ بنیاد در فعالیت‌های اقتصادی، همین بس که "وزیر" برای امضای قرارداد همکاری شخصاً به دفتر مدیرعامل "بنیاد تعاون" می‌رود: «آقای وزیر مسکن لطف کرده‌اند با دستور آقای رئیس جمهور سه ماه قبل به دفتر من آمدند، توافق‌نامه‌ای امضا کرده‌ایم که ۵۰ هزار واحد مسکونی در قالب مسکن مهر بسازیم.»

پرویز فتاح اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۳ در بازدید از خبرگزاری "تسنیم"، وابسته به سپاه پاسداران ضمن دفاع از عملکرد و فعالیت‌های اقتصادی سپاه پاسداران با تاکید بر آنکه «ظرفیت سازندگی که در سپاه ایجاد شده است همواره در خدمت تمام دولت‌ها بوده است»، به عنوان مثالی در تأیید سخنانش افزود: «بنده خودم از بنیان‌گذاران قرارگاه سازندگی هستم و از ابتدا حضور داشتم. قرارداد سد کرخه را نیز خودم امضا کردم و زمین آن را نیز در سال ۷۰ تحویل گرفتم.»

وی اصلی‌ترین هدف سپاه و نهادهای زیرمجموعه آن را در این عبارت خلاصه می‌کند که «بحث ما این است که پای خارجی‌ها به کشور باز نشود» چون به گفته وی، کشور نباید "دچار وضعیت ارتجاعی" شود که «به جایی برگردیم تا دست اجانب و خارجی‌ها به کشور باز شود.»

بازگشت به سپاه پاسداران البته محتمل‌ترین تصمیم پرویز فتاح به شمار می‌رفت؛ چه آنکه با هم‌زمان سابقش راحت‌تر از افرادی همچون محمود احمدی‌نژاد و اسفندیار رحیم‌مشایی می‌توانست نشست و برخاست کند؛ از دید سپاهیان اما پرویز فتاح، تکنوکراتی است که می‌شود به وی اعتماد کرد و پروژه‌های سنگین را به وی سپرد.

فتاح در حالی به سپاه بازگشت که بعد از پایان کار دولت نهم، مسئولیت‌های متعددی به وی پیشنهاد شده بود. از جمله، صادق محصولی، مردادماه سال ۱۳۸۸ که به عنوان "وزیر پیشنهادی رفاه و تامین اجتماعی" در کمیسیون‌های مجلس حضور می‌یافت، از پرویز فتاح به عنوان رئیس بعدی "سازمان تامین اجتماعی" نام می‌برد.

”معاون اولی رئیس جمهور“ در دولت دوم محمود احمدی‌نژاد، ”استانداری آذربایجان غربی“، ”شهرداری تهران“، ”مدیرعاملی راه‌آهن“، ”سفیر جمهوری اسلامی“ در شماری از کشورها از جمله پیشنهادهایی است که بعد از خروج آقای فتاح از کابینه نخست احمدی‌نژاد به وی ارائه شد اما فتاح از پذیرش آنها سر باز زد و گفت: «من به درد این کارها نمی‌خورم. من فنی هستم و مهندس، تجربه‌ام چه قبل از وزارت و چه در دوران وزارت مهندسی بوده است.»

حتی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم در سال ۱۳۹۲ نیز زمزمه‌هایی درباره کاندیداتوری وی از سوی ”جبهه پایداری“، گروه نزدیک به محمدتقی مصباح یزدی، روحانی تندروی هوادار علی خامنه‌ای نیز به گوش رسید که وی رسماً از تصمیمش بر عدم کاندیداتوری در این انتخابات خبر داد.

”بچه‌حزب‌اللهی“ وفادار به نظام و رهبر

در جمهوری اسلامی حضور در قدرت اما الزاماتی دارد که تا حدود زیادی برای همگان آشکار است و پرویز فتاح نیز همواره در همین مدار حرکت می‌کند؛ چه آن زمان که در سد کرخه فعالیت می‌کرد و چه در تحلیلش از جنبش سبز همواره خود را نیرویی وفادار به نظام، رهبر و نهاد روحانیت اما نه آنچنان تندرو که در سیبل رسانه‌ها قرار گیرد، معرفی می‌کند.

از جمله، وی در دی‌ماه سال ۱۳۹۲ در گردهمایی طرفداران علی خامنه‌ای به مناسبت سالگرد تظاهرات حکومتی موسوم به ”۹ دی“ طی سخنانی با تأکید بر اینکه «نظام در جریان فتنه ۸۸ مظلوم واقع شد»، گفت: «نهم دی به تعبیری به طرح‌ها و نقشه‌های دشمنان برای براندازی نظام ولایی در ایران اسلامی مهر باطل زد.»

وی ضمن ستایش از ”بزرگ‌منشی“ علی خامنه‌ای افزود: «مهم‌ترین عاملی که موجب شد انقلاب و نظام اسلامی از بحران فتنه هوشیارانه و با بصیرت عبور کند، بدون شک صعه صدر مثال‌زدنی رهبری معظم انقلاب در برخورد با فتنه‌گران بود.»

او در توصیف ارادت و نزدیکی‌اش به رهبر جمهوری اسلامی می‌گوید که از وی ”عیدی“ می‌گیرد: «آقا به ما هزار تومانی عیدی دادند. یک بار آقا ۵۰۰ تومانی دادند؛ من گفتم اگر اجازه دهید من چندتا برمی‌دارم.»

کسانی که پای صحبت‌های وزیر سابق نیرو نشسته‌اند، دریافته‌اند که وی در سخنانش پیاپی به سخنان علی خامنه‌ای استناد می‌کند؛ مثلاً درباره پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی با اشاره به سخنان خامنه‌ای مبنی بر اینکه «هم به آرمان‌ها باید توجه شود و هم به واقعیت‌ها» می‌گوید: «ما در حال حاضر تاوان آرمان‌های خود را می‌دهیم. مسئله انرژی هسته‌ای بهانه است و آنها نظام را نشانه رفته‌اند.»

فروردین ماه سال ۱۳۹۱ نیز فتاح با حضور در برنامه تلویزیونی ”دیروز، امروز، فردا“ بارها از کلمه ”دشمن“، کلمه‌ای که در هر سخنرانی بارها توسط علی خامنه‌ای بکار گرفته می‌شود، استفاده کرد: «همیشه دشمن با ما رو در رو بوده... دشمن همیشه دشمنی کرده و این دشمنی در ابعاد مختلف بروز کرده است... از دشمن نباید جز دشمنی انتظار داشته باشیم اما باید این منطق را بپذیریم که دشمن شکست خورده است، ۳۲ سال است که دشمن از این ملت شکست خورده است... الان فلش دشمن روی عرصه اقتصادی است.»

وزیر سابق نیرو خود را از جمله نیروهای ”حزب‌الله“ می‌داند و همواره از ”بچه حزب‌اللهی‌ها“ ستایش می‌کند چون به نظر وی، ”بچه‌های حزب‌اللهی“ و ”ارزشی“ در حوزه‌هایی که «ریسک و شهامت و جسارت بیشتر و جهادی» می‌خواهد، یعنی در «وادی‌های ناشناخته، جدید و ریسک‌پذیر»، همواره ”موفق“ بوده‌اند و «خوب عمل می‌کنند.»

او با اشاره به بازدید علی خامنه‌ای از سد کرخه در اسفند سال ۱۳۷۵ می‌گوید که نیروهای کارفرما از طرف وزارت نیرو، «رفتند یک پارچه زدند که ”ما توانسته‌ایم“» اما «نیروهای قرارگاه سازندگی رفتند از بازار اندیمشک و دزفول هر پارچه برزنتی بود خریدند و شعار صدمتری روی آن نوشتند: حزب‌الله می‌تواند.»

به گفته وی، علی خامنه‌ای نیز با دیدن این پارچه‌نوشته‌ها ”خندید“ و گفت: «هر دو شعار را دیدم. این شعار {حزب‌الله می‌تواند} را حفظ کنید که شعار بسیار خوبی است.»

از آن سالها تا کنون اما تغییری در این نگاه ستایش آمیز آقای فتاح به حزب‌الله ایجاد نشده؛ آنچنانکه او اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۲ نیز به خبرگزاری ”تسنیم“ گفت که همین الان نیز «فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی در اختیار نیروهای حزب‌اللهی و ارزشی قرارگاه سازندگی سپاه است که یک افتخار ملی است. حضرت آقا نیز ۲ سال قبل از آن بازدید داشتند.»

فتاح اما غیر از تعریف و تمجید از علی خامنه‌ای، سعی می‌کند تا از دیگر روحانیون سرشناس و پرنفوذ در جمهوری اسلامی نیز ستایش کند؛ هر از گاهی به دیدار روحانیون ساکن قم می‌رود و در مراسم ختم روحانیون یا بستگان روحانیون معتمد نظام حضور می‌یابد. به عنوان مثال، وی بعد از مرگ آیت‌الله ”عزیزالله خوشوقت“، از روحانیون پرنفوذ و نزدیک به علی خامنه‌ای، از ”۲۵ سال شاگردی“ و ”رفت و آمد“ش نزد این روحانی خبر داد و وی را ”تجسم بصیرت“ توصیف کرد.

فتاح همچنین در ستایش از این روحانی که از وی به عنوان یکی از روحانیونی که فتوای قتل دگراندیشان در جریان قتل‌های زنجیره‌ای را صادر می‌کرد، نام برده می‌شود، از هیچ مبالغه‌ای فروگذار نکرد آنچنانکه گفت عزیزالله خوشوقت از نظر خلق و خو ”شبییه پیامبر اسلام“ بود.

وی اگرچه می‌گوید که مهارتی در فن سخنوری ندارد و فقط ”مهندس“ است و ”کار فنی“ بلد است اما برای نشان دادن حمایت و وفاداری‌اش به نظام جمهوری اسلامی، گهگاه ”تحلیل سیاسی“ نیز ارائه می‌دهد؛ آنچنانکه حوادث مربوط به انتخابات ریاست جمهوری سالی ۱۳۸۸ را «زیباترین نماد دموکراسی» توصیف کرده و افزوده است: «کجای دنیا چنین چیزی وجود دارد. لااقل شب نمی‌آیند بیرون، در طول روز با یک سخنرانی و کف و سوت، همه چیز تمام می‌شود.»

به نظر وی، «ایران پس از انقلاب به سمت دموکراسی رفته است» چون «قرن‌ها حکومت در ایران به صورت ”موروثی“ بوده اما انقلاب اسلامی به یمن وجود حضرت امام، باعث شد نماد انتخابات ریشه دار شود.»

فتاح البته با دوستان خارجی جمهوری اسلامی نیز ارتباط‌های خوبی دارد؛ از آن جمله است دوستی نزدیکش با جلال طالبانی، سیاستمدار عراقی نزدیک به مقامات حکومت تهران، رهبر حزب ”اتحادیه میهنی کردستان“ و رئیس جمهور عراق. رابطه فتاح و طالبانی به سال‌های جنگ باز می‌گردد: «ما در جبهه با آقای طالبانی ارتباط زیادی داشتیم. گاهی ایشان را من به ایران می‌آوردم. زمان جنگ در عراق رفت و آمدهای زیادی به منزل ایشان داشتم و زندگی کاملاً چریکی و پنهانی داشتیم، هم سفره بودیم و در سخت‌ترین شرایط زمان صدام، در منزل ایشان بودم.»

چرخش قدرت و روزگار اما یکی را در ایران به وزارت رساند و دیگری نیز بعد از سقوط دیکتاتور بغداد، رئیس جمهور عراق شد: «هیچ‌کدام چنین فکری نمی‌کردیم. هر وقت آقای طالبانی در دولت نهم به ایران می‌آمد، من نماینده دولت برای استقبال بودم و هر بار که من می‌رفتم عراق، آقای طالبانی خیلی گرم استقبال می‌کردند.» از سوی دیگر، تسلط تقریبی فتاح به زبان کردی به وی کمک می‌کند تا راحت‌تر با طالبانی به گفتگو بنشیند.

علی خامنه‌ای نیز یک بار در حضور طالبانی در ستایش از فتاح وی را «یک بسیجی واقعی» توصیف کرد و طالبانی نیز با بیان اینکه «کاک فتاح برای ما زیاد زحمت کشیدند»، گفت: «ایشان از نظر ما هم یک پیشمرگ کرد هستند.»

اما منظور جلال طالبانی از «زحمات زیاد» فتاح برای عراق چیست؟ فتاح در این باره می‌گوید: «در دوره نهم، ما سرمایه‌گذاری زیادی در عراق بویژه در بخش برق انجام دادیم. صادرات برق ما تا بغداد و بصره و العماره رفت و ۲ نیروگاه در حال احداث داریم. فاضلاب شهر مقدس کربلا، برق شهر مقدس نجف و کربلا را انجام دادیم.»

فتاح؛ مردی برای پشت صحنه

پرویز فتاح، این رزمنده سال‌های دور، مهندس سپاهیان و وزیر احمدی‌نژاد اینک بار دیگر به فعالیت‌های فنی-مهندسی در بدنه سپاه پاسدارن بازگشته است. به نظر می‌رسد که نهادی همچون «بنیاد تعاون سپاه» فضای مناسبی برای فعالیت چهره‌هایی همچون پرویز فتاح است؛ عرصه‌ای بدون حسابرسی، در کنار هم‌رزم‌های پیشین، دور از هیاهوی سیاست و جناح‌بندی‌های مرسوم، نزدیک به بیت رهبر جمهوری اسلامی و آنگونه که خودش نیز می‌پسندد، حضور هم‌زمان در متن و حاشیه قدرت؛ گمنامی در عین نفوذ.

یک بار احمدی‌نژاد به وی گفته بود: «من شما را عین خود می‌دانم.» به این جمله احمدی‌نژاد اگرچه نمی‌توان همچون آمارهای وارونه‌اش اعتماد کرد، اما آبستن حقیقتی است که شاید چندان دور از واقعیت نباشد. فتاح نیز از جمله مردان پیچیده جمهوری اسلامی است که از سپاه آغاز کرد؛ مهندس شد؛ به دولتمردی رسید و شهره شد. با این حال، فتاح اما سبک متفاوتی از سیاست‌ورزی را پیش گرفته؛ آنچنانکه همواره خود را «سپاهی» و «بچه حزب‌اللهی» می‌داند و ترجیح می‌دهد که به جای وزارت و وکالت همچنان در فضای کدر و غیرشفاف اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی فعالیت کند تا همانطور که خودش می‌گوید «بدون آنکه پای هیچ فرد خارجی به کشور باز شود»، وی و هم‌زمانش در سپاه پاسداران به کارهایشان ادامه دهند؛ از مسکن و سد و مخابرات تا نیروگاه و بورس و بانکداری.



بسم الله الرحمن الرحیم

قرارگاه سازندگان
کمیته بین‌المللی

مشارکت سپاه در احداث ۷۷۰۰ مسجد جدید برای رفع مشکلات نظام و جامعه

فرمانده «قرارگاه قرب کوثر خاتم‌الانبیاء» از برنامه سپاه پاسداران برای مشارکت در ساخت ۷۷۰۰ مسجد در سراسر کشور خبر داده می‌گوید که «احداث مسجد می‌تواند تمام مشکلات کشور نظام اسلامی را برطرف کند».



فرمانده «قرارگاه کوثر» در این سخنرانی تأکید کرد که «تمام مشکلات نظام اسلامی توسط مساجد از بین می‌رود» و «احیای مساجد مشکلات جامعه را نیز برطرف می‌کند».



به گزارش روز چهارشنبه (۷ خرداد ۲۸- می) وبسایت "سپاه نیوز"، سید ضیاءالدین حزنی در مراسم بازگشایی یک مسجد در رشت، از "مسجدسازی" به عنوان یکی از اقدام‌های سپاه پاسداران در جهت "مردمداری" یاد کرد و با تاکید بر این‌که «بیشتر همیاری‌ها از طرف مردم صورت می‌گیرد»، افزود که سپاه برای احداث هر مسجد "بین ۱۰ تا ۲۵ میلیون تومان" کمک می‌کند.

وی با بیان این‌که در حال حاضر ۷۰ هزار مسجد در ایران وجود دارد، گفت که هم‌اکنون ۵۷ هزار مسجد در کشور نیازمند "اقدام‌های فوری" هستند به گونه‌ای که ۴۰ درصد از آن‌ها «روحانی ندارند» و بعضی از مساجد نیز «تنها در ماه رمضان و محرم باز هستند».

به گفته‌ی این فرمانده سپاه، ۶۰ هزار مسجد در ایران متعلق به "شیعیان" و ۱۰ هزار مسجد نیز متعلق به "اهل سنت" است.

آقای حزنی در عین حال بعضی از مساجد رشت را "قابل استفاده" ندانست و با بیان این‌که این شهرستان به ۷۰۰ مسجد جدید نیاز دارد، از احداث ۶۰۰ مسجد در گیلان خبر داد و خاطرنشان کرد که در سه سال آینده مشکل گرمایشی، سرمایشی و نور مساجد این استان با ۵۰ درصد مشارکت عمومی برطرف خواهد شد.

او همچنین با اشاره به جمعیت ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفری استان گیلان تصریح کرد که این استان با کمبود ۱۴۴۰ مسجد مواجه است و با توجه به نیاز شهرستان رشت به احداث مساجد جدید، این رقم برای کل استان "به بیش از دو هزار مسجد" می‌رسد.

فرمانده "قرارگاه کوثر" در این سخنرانی تأکید کرد که «تمام مشکلات نظام اسلامی توسط مساجد از بین می‌رود» و «احیای مساجد مشکلات جامعه را نیز برطرف می‌کند».

این اظهارات در حالی است که ۱۶ اردیبهشت ماه امسال نیز، عبدالمقیم ناصحی، "رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران" در گفتگو با "همشهری آنلاین"، آمار دو هزار مسجد برای جمعیت هشت میلیونی تهران را "نامطلوب" توصیف کرد و افزود که بر اساس یکی از مصوبات اخیر این شورا، قرار است تا پایان سال ۱۳۹۷، تعداد ۴۰۰ مسجد به مساجد موجود در تهران افزوده شود.

پیش‌تر، میثم امرودی، "قائم‌مقام معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران" نیز مهرماه سال گذشته از مشخص شدن مکان و اختصاص ۱۸۲ قطعه زمین در قواردهای کوچک و محلی برای ساخت مساجد جدید در تهران خبر داده و گفته بود که برخی از این مساجد در مراکز مهم و پربازدید توسط «شهرداری تهران» و در «مساحت گسترده‌ای» احداث خواهند شد.